

فصلنامه علمی پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی
مقاله پژوهشی، دوره ۲، شماره ۴، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۳۷ تا ۷۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

اعتبار روایات سهل بن زیاد رازی در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

مرتضی یقینی پور* | طلبه سطح ۴ حوزه علمیه

چکیده

سهل بن زیاد رازی از روایان معروفی است که در اسناد احادیث فراوانی واقع شده است. غالب منابع رجالی متقدم امامیه به تضعیف او پرداخته و از بی‌اعتمادی به وی سخن گفته‌اند، در حالی که برخی منابع رجالی و فقهی متأخر به مناقشه در ادله تضعیف او پرداخته و از وثاقت این راوی پرکار دفاع کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای از معدود محققانی است که نه به دفاع از وثاقت مطلق سهل بن زیاد پرداخته و نه به بی‌اعتباری همه‌ی روایات او حکم نموده‌اند، بلکه ایشان، نظریه اعتبار روایات سهل در کتاب شریف کافی را تقویت کرده‌اند. ایشان معتقدند که تصریحات پُر تعداد قدما در تضعیف سهل بن زیاد، دفاع از وثاقت مطلق او را دشوار می‌سازد، ولی از سوی دیگر جایگاه رفیع شیخ کلینی در حدیث‌شناسی و اهتمام فراوان او به نقل احادیث سهل در کتابی مانند کافی، و ثوق به روایات این راوی در خصوص کتاب کافی را به ارمان می‌آورد. این نظریه، پیامدهای ملموسی در اجتهاد و فقه آیت‌الله خامنه‌ای به همراه دارد. واژگان کلیدی: سهل بن زیاد، کلینی، کافی، تضعیف، توثیق، اکتار قدما، اعتبارسنجی روایات، آیت‌الله خامنه‌ای.

مقدمه

عقل، کتاب و سنت، مهم‌ترین منابع شناخت دین و آموزه‌های دینی است. سنت به معنای قول، فعل و تقریر معصومان (ع) (نهایه الدرایه: ۸۵)^۱ به جهت فراوانی و گستره مضامین آن، جایگاه خاصی در مقام استنباط تعلیمات دینی دارد، به گونه‌ای که میزان استناد عالمان دینی به این منبع، قابل مقایسه با سایر منابع نیست. البته آنچه امروزه در اختیار مؤمنان قرار دارد، نه همان سنت، بلکه چیزی است که از سنت، حکایت و گزارش می‌کند (همان)^۲، گزارشی که حدیث و روایت خواننده شده و ممکن است با واقع یعنی همان قول و فعل و تقریر معصومان (ع) منطبق باشد، یا چنین انطباقی نداشته باشد.

عالمان علم‌الحديث، احادیث را به دو دسته متواتر و واحد تقسیم کرده‌اند. آن‌ها متواتر را خبری می‌دانند که به واسطه کثرت راویان آن در هر طبقه، احتمال تبانی بر دروغ بستن یا واقع شدن بر خطا و اشتباه، در آن منتفی بوده و از همین جهت، مفید علم و یقین است (همان: ۲۰۲).^۳ پیداست که محتوای این دسته احادیث را می‌توان با خاطر آسوده به دین مبین نسبت داد و خبر متواتر را حکایتگر قطعی از سنت قلمداد کرد. اما خبر واحد چنین خصوصیتی ندارد و به دلیل وجود احتمال تعدد یا اشتباه راویان، نمی‌توان مضمون آن را بی‌درنگ به شارع مقدس نسبت داد؛ به همین خاطر عالمان دینی قرن‌هاست که به دنبال تأسیس مبانی هستند که براساس آن‌ها بتوانند احادیث را اعتبارسنجی نموده و حدیث صحیح را از غیر صحیح جدا سازند. مباحث گسترده اصولیان ذیل بحث حجیت خبر واحد، بخشی از این تلاش‌ها است.

جست‌و‌جو در آرای عالمان شیعه حکایت از آن دارد که تا امروز دو دیدگاه در عرصه اعتبارسنجی خبرهای واحد از اهمیت بیش‌تری برخوردار بوده است. از این دو اندیشه، گاه به مسلک «وثوق صدور/ خبری» و «وثوق سندی/ مخبری» تعبیر می‌شود و گاه از آن‌ها با عنوان «اعتبارسنجی قرینه‌محور» و «اعتبارسنجی راوی‌محور» یاد می‌گردد (اعتبارسنجی احادیث شیعه: ۸۶ و ۸۸).^۴ طرفداران دیدگاه نخست تلاش دارند که با جمع‌آوری قرائن و شواهد، نسبت به صدور حدیث از سوی معصومان (ع) یقین یا اطمینان حاصل کنند. وضعیت سند حدیث و حال راویان اگرچه مهم و در موارد بسیاری تعیین‌کننده است، اما تنها راه تحصیل چنین علم و اطمینانی نیست. در مقابل، گروه دیگری از علما قرار دارند که برای احراز اعتبار حدیث بر وضعیت سند و حال راویان تکیه می‌نمایند و اعتبار و عدم اعتبار حدیث را تنها از رهگذر اتصال سند و وثاقت راویان آن ارزیابی می‌کنند.

ارزش و اهمیت سند و احوال و اوصاف راویان حدیث بر پایه هر دو رویکرد محفوظ است، با این تفاوت که دیدگاه وثوق سندی برای حال راوی، موضوعیت و دیدگاه وثوق صدور، طریقت قائل می‌باشد؛ زیرا به علم اجمالی پیداست که در میان جمع بزرگ راویان، افرادی وجود دارند که

به دلیل انحرافات اعتقادی یا عملی، صحت اخبارشان مشکوک است، برخی از آن‌ها به دروغ‌گویی و جعل حدیث متهم شده و برخی دیگر در دریافت، ضبط و نقل حدیث ضعیف انگاشته شده‌اند، پس در هر حال باید میان آن‌ها و سایر روایان فرق نهاد و آن‌ها را از یکدیگر بازشناخت.

سهل بن زیاد رازی از این دسته روایان است که به خاطر اختلاف در ارزیابی شخصیت روایی او، اعتبار روایات پُر تعداد او محل نفی و اثبات قرار گرفته است. این راوی در بیش‌تر منابع علمی متقدم امامیه تضعیف شده است، در حالی که جمعی از متأخران تلاش کرده‌اند با خدشه در ارزیابی متقدمان از وثاقت او دفاع کنند، تا از این طریق صدها روایت او در فقه و معارف را به جرگه اخبار معتبر بازگردانند.

آیت‌الله خامنه‌ای از معدود محققان و فقیهانی است که ضمن خودداری از تأیید وثاقت مطلق سهل بن زیاد، دیدگاه خاصی را درباره او برگزیده و تنها به اعتبار روایات وی در کتاب شریف کافی، تألیف شیخ المحدثین محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (متوفی ۳۲۹ ق) حکم نموده است. این اندیشه در سراسر فقه معظم‌له مورد استناد قرار گرفته و ایشان با احادیث سهل در کافی همچون اخبار معتبر معامله کرده است.

توضیح اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای درباره اعتبار روایات سهل و تبیین مبانی آن هدف اصلی این پژوهش است. در آغاز مقاله با تکیه بر داده‌های موجود در منابع اولیه، از هویت و شخصیت روایی سهل سخن گفته‌ایم. سپس در دو گفتار مستقل ارزیابی‌های صورت گرفته از سهل در منابع متقدم و متأخر امامیه را گزارش کرده‌ایم و سپس به توضیح و تبیین نظریه معظم‌له پرداخته‌ایم. از آنجا که بنیان اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، اعتماد به مرحوم کلینی است، به‌طور ویژه به مبانی اکثار آن مرحوم از سهل پرداخته و دو دیدگاه متفاوت را که در کلمات آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است شرح نموده‌ایم و در پایان هر دو مبنا را با نظریه ایشان تطبیق داده‌ایم.

از آنجا که مبانی و شیوه‌های اعتبارسنجی قدما در این بحث از اهمیت زیادی برخوردار است، قدری بحث را در این زمینه گسترش داده‌ایم.

گفتنی است که منابع مورد اعتماد ما برای دستیابی به آرای آیت‌الله خامنه‌ای، غیر از کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»، متن پیاده شده سلسله درس‌های خارج فقه ایشان در ابواب قصاص، مکاسب محرمة و صلاة مسافر می‌باشد.

۱- هویت و شخصیت روایی سهل بن زیاد

منابع متقدم امامیه، سهل بن زیاد رازی، مکتبی به ابوجعفر و معروف به آدمی را از اصحاب سه امام بزرگوار: جواد، هادی و حسن عسکری (ع) معرفی کرده‌اند (اختیار معرفة الرجال: ۲/ ۸۳۷).^۵

درباره تاریخ ولادت و وفات او گزارشی در دست نیست، اما می‌توان با توجه به طبقه روایی و اساتید و شاگردان وی، او را از محدثان قرن سوم هجری به‌شمار آورد.

طبق داده‌های استخراج‌شده از نرم‌افزار تخصصی درایه‌النور، نام سهل بن زیاد در ۲۵۶۷ سند از اسناد احادیث کتب اربعه وجود دارد که از این تعداد، ۱۹۱۸ سند سهم کتاب شریف کافی است که نسبت به مجموع اسناد کافی - بیش از ۱۸ هزار سند - عدد بسیار بزرگی به‌شمار می‌آید.

با وجود معاصرت سهل با سه امام معصوم، از او تنها دو روایت مباشر از امامان (ع) در میراث روایی امامیه به‌چشم می‌خورد که هر دو به‌صورت مکاتبه با امام حسن عسکری (ع) است که یکی مربوط به توحید و دیگری مربوط به باب میراث می‌باشد (ر.ک: الکافی: ۱/۱۰۳).^۶ بنابراین عمده روایات سهل، روایت از مشایخ حدیث شیعه است که از طریق آنان، روایاتی را از امامان پیشین (ع) نقل کرده است.

تعداد مشایخ روایی سهل حدود یک‌صد نفر می‌باشد، اما او نیمی از روایات خود را تنها به‌واسطه ده تن از محدثان به‌نام شیعه گزارش نموده است. مهم‌ترین مشایخ روایی سهل - براساس شمار روایات هر یک از آن‌ها - عبارت‌اند از:

۱. احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی (۵۴۰ روایت)

۲. حسن بن محبوب (۵۱۳ روایت)

۳. محمد بن حسن بن شَمُون (۱۴۷ روایت)

۴. جعفر بن محمد بن عبیدالله اشعری (۱۱۴ روایت)

۵. علی بن اسباط بن سالم (۹۷ روایت)

۶. عبدالرحمان بن ابی نجران (۸۷ روایت)

۷. محمد بن عیسی بن عبید بغدادی (۸۱ روایت)

۸. علی بن مهزیار اهوازی (۶۰ روایت)

۹. یعقوب بن یزید انباری (۵۱ روایت)

۱۰. محمد بن سنان زاهری (۴۲ روایت)

در این فهرست، بیش‌تر مشایخ او در شمار راویان ثقه قرار دارند. بزندی و ابن محبوب که بیش‌ترین روایات سهل را به‌خود اختصاص داده‌اند، در شمار ثقات جلیل‌القدر و اصحاب اجماع هستند (اختیار معرفة الرجال: ۲/۸۳۰).^۷ محمد بن حسن بن شَمُون، اضعف مشایخ سهل است که در منابع رجالی به غلو و انحرافات عقیدتی متهم شده است (ر.ک: اختیار معرفة الرجال: ۱/۳۲۲).^۸

بیش‌تر روایات سهل به واسطه عدۀ شیخ کلینی به ما رسیده است. کلینی در حدود ۸۰ درصد از احادیث سهل، تعبیر «عدۀ من اصحابنا» را واسطه میان خود و سهل قرار داده، اما مراد خود از مصادیق عده را که طبیعتاً شاگردان سهل هستند، در کتاب کافی مشخص نکرده است، باین‌حال علامه حلی در رجال خود منظور از عده را از زبان خود کلینی این‌چنین گزارش کرده است:

«قال الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني في كتابه الكافي في أخبار كثيرة عده من أصحابنا... قال وكلما ذكرته في كتابي المشار إليه عده من أصحابنا عن سهل بن زياد فهم علي بن محمد بن علان و محمد بن أبي عبد الله و محمد بن الحسن و محمد بن عقيل الكليني» (رجال العلامة الحلی: ۲۷۲).^۹

بر این اساس، کلینی حداقل محضر چهار نفر از شاگردان سهل بن زیاد را درک نموده است (علی بن محمد علان کلینی، محمد بن ابی عبدالله (جعفر) اسدی، محمد بن حسن طائی رازی^{۱۰} و محمد بن عقیل کلینی^{۱۱}). این افراد واسطه انتقال میراث روایی سهل به شیخ کلینی هستند. البته با سیر در اسناد دیگر کتب روایی شیعه می‌توان بر شمار شاگردان سهل بن زیاد افزود (ر.ک: مستدرک الوسائل: ۲۱۹/۲۳-۲۲۲).^{۱۲}

۲- سهل بن زیاد در اندیشه متقدمان

درباره شخصیت روایی سهل بن زیاد، داده‌های فراوانی در منابع متقدم وجود ندارد، باین‌حال این منابع دربردارنده مطالب مهمی در معرفی و تحلیل شخصیت و روایات این راوی از زبان عالمان معاصر یا قریب‌العهد وی هستند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱- دیدگاه فضل بن شاذان نیشابوری

فضل بن شاذان از اصحاب ثقه و جلیل‌القدر ائمه اطهار (ع) است (رجال النجاشی: ۳۰۶).^{۱۳} دیدگاه او درباره سهل را شاگردش علی بن محمد بن قتیبه گزارش کرده است. او می‌گوید:

«سمعت الفضل بن شاذان، يقول في أبي الخير و هو صالح بن سلمة أبي حماد الرازي، كما كني، و قال علي: كان أبو محمد الفضل يرتضيه و يمدحه و لا يرتضي أبا سعيد الادمي و يقول: هو الاحمق» (اختيار معرفة الرجال: ۸۳۷/۲).^{۱۴}

۲-۲- دیدگاه احمد بن محمد بن عیسی اشعری

احمد اشعری از اصحاب عالی‌قدر امامان: رضا، جواد، هادی و حسن عسکری (ع) و محدثی پُرکار و مورد اعتماد است (رجال النجاشی: ۸۱).^{۱۵} دیدگاه او درباره سهل را ابن غضائری و نجاشی با عباراتی نزدیک به هم گزارش کرده‌اند. نجاشی می‌نویسد: «كان أحمد بن محمد بن عيسى

يشهد عليه بالغلو و الكذب و أخرجه من قم إلى الري و كان يسكنها» (رجال النجاشي: ۱۸۵).^{۱۶} در گزارش ابن غضائری نکته‌های افزون‌تری وجود دارد. او آورده است:

«و كان أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى الأشعريّ أخرجه من قم، و أظهر البراءة منه، و نهى الناس عن السماع منه و الرواية عنه» (رجال ابن الغضائری: ۶۶).^{۱۷}

۳-۲- دیدگاه ابن ولید قمی و شاگردش شیخ صدوق

یکی از تألیفات مهم روایی - فقهی امامیه کتاب «نوادرالْحکمة» اثر محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی است. کتاب این راوی ثقه مورد توجه محدثان قمی و عموم شیعیان قرار داشته و از مصادر کتب اربعه به‌شمار می‌آید (ر.ک: رجال النجاشی: ۳۴۸-۳۴۹).^{۱۸} باین‌حال محمد بن حسن بن احمد بن ولید از راویان و فقیهان برجسته قمی در قرن چهارم - طبق نقل نجاشی (همان)^{۱۹} و شیخ طوسی (الفهرست: ۴۰۸)^{۲۰} روایات گروهی از راویان را از مجموعه احادیث این کتاب استثناء کرده است. سهل بن زیاد جزو این دسته از راویان است (ر.ک: رجال النجاشی: ۳۴۸-۳۴۹).^{۲۱} شیخ صدوق هم در این زمینه از نظر استاد خود پیروی نموده است (الفهرست: ۴۰۸).^{۲۲} جمعی از علما استثنای سهل را دلیل بر ضعف او در اندیشه ابن ولید و صدوق دانسته‌اند.

۴-۲- دیدگاه ابن غضائری

ابن غضائری رجالی معروف قرن پنجم با عبارت «كان ضعيفا جدًا فاسد الرواية و الدين... يروي المراسيل، و يعتمد المجاهيل» بر ضعف سهل تأکید کرده است (رجال ابن الغضائری: ۶۶).^{۲۳}

۵-۲- دیدگاه ابوالعبّاس نجاشی

نجاشی - رجال‌شناس بزرگ امامیه در قرن پنجم - با عبارت «كان ضعيفاً في الحديث، غير معتمد فيه» به توصیف رجالی سهل پرداخته و در ادامه‌ی کلام خود، دیدگاه و عملکرد احمد اشعری در برابر سهل را گزارش نموده که در سطرهای پیشین گذشت (رجال النجاشی: ۱۸۵).^{۲۴}

۶-۲- دیدگاه شیخ طوسی

شیخ طوسی - مرجع بزرگ و مرزبان شهیر امامیه در قرن پنجم - در رجال خود سه بار از سهل یاد کرده است. بار نخست در شمار اصحاب امام جواد (ع)، بار دوم در شمار اصحاب امام هادی (ع) و بار سوم در شمار اصحاب امام حسن عسکری (ع). شیخ در دو موضع هیچ توصیفی از سهل ارائه نکرده است، اما به‌هنگام ذکر او در مرتبه دوم او را به وثاقت توصیف کرده است (ر.ک: رجال الطوسی: ۳۸۷)^{۲۵}، درحالی‌که در فهرست خود به تضعیف وی پرداخته (الفهرست: ۲۲۸)^{۲۶} و در موضعی از استبصار در مواجهه با حدیثی که سهل در سند آن واقع شده، نوشته است:

«أَمَّا الْخَبْرُ الْأَوَّلُ فَرَأَوِيهِ أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ وَهُوَ ضَعِيفٌ جِدًّا عِنْدَ نَقَادِ الْأَخْبَارِ وَقَدْ اسْتَثْنَاهُ أَبُو جَعْفَرٍ بْنُ بَابُوَيْهِ فِي رِجَالِ نَوَادِرِ الْحِكْمَةِ» (الاستبصار: ۲۶۱/۳).^{۲۷}

از آنچه بیان شد پیداست که رأی غالب در منابع رجالی متقدم، تضعیف سهل بن زیاد و پُررنگ کردن سوبه بی‌اعتمادی به این راوی است.

۳- سهل بن زیاد در اندیشه‌ی متأخران

در برابر منابع رجالی متقدم که تا حد زیادی در تضعیف سهل بن زیاد اتفاق نظر دارند، سیر در منابع رجالی متأخر - از قرن ششم تا دوره کنونی - حکایت از دو رویکرد متفاوت در مواجهه با سهل دارد. برخی منابع تنها به گزارش آرای رجالی متقدم پرداخته و در واقع، ضعف سهل را پذیرفته‌اند، تا آنجاکه برخی حضور سهل در سند روایت را برای حکم به بی‌اعتباری آن روایت، کافی دانسته‌اند (استقصاء الاعتبار: ۳۴۶/۱).^{۲۸} در حالی که دسته‌ای دیگر از منابع، به نقد آرای متقدمان نشسته و ادله تضعیف سهل را تضعیف نموده و از وثاقت این راوی پُرکار دفاع کرده‌اند.

از منابع دسته اول می‌توان به آثاری چون: رجال علامه حلی (رجال العلامة الحلی: ۲۲۸-۲۲۹)^{۲۹}، منهج‌المقال میرزا محمد استرآبادی (منهج‌المقال: ۱۳۲/۶)^{۳۰}، جامع‌الرواة اردبیلی (جامع‌الرواة: ۳۹۳/۱)^{۳۱} و معجم رجال‌الحديث محقق خویی (معجم رجال‌الحديث: ۳۵۴/۹)^{۳۲} اشاره نمود. از منابع دسته دوم هم باید از آثاری چون: تعلیقات وحید بهبهانی (منهج‌المقال: ۱۲۵/۶)^{۳۳}، الفوائد‌الرجالية سید بحرالعلوم (رجال السید بحرالعلوم: ۲۱/۳)^{۳۴}، عدة‌الرجال سیدکاظمی (عدة الرجال: ۴۴۶/۱)^{۳۵} و قسمت پایانی مستدرک‌الوسائل میرزای نوری (مستدرک‌الوسائل: ۲۱۳/۲۳-۲۴۹)^{۳۶} یاد کرد.

درون‌مایه منابع دسته اول را تکرار کلمات متقدمان یا دفاع از آرای آن‌ها تشکیل می‌دهد، برای مثال محقق شوشتری در دفاع از تضعیفات صادره از قدما می‌نویسد:

«ثم بعد اتفاق مثل الفضل بن شاذان و أحمد بن محمد بن عيسى (رئيسي المذهب المعاصرین له) و ابن الوليد و ابن بابويه (نقادی الرجال و الأخبار) و ابن نوح و الكشي و القتيبي (أئمة الرجال) و الفهرست فيه و في محمد بن أحمد بن يحيى، و النجاشي في الموضوعين، و الاستبصار و ابن الغضائري (المدقق) على ضعفه - كما عرفت عباراتهم و تقریرهم على اختلاف تعبيراتهم - يكون تفرّد رجال الشيخ بتوثيقه ساقطاً» (قاموس الرجال: ۳۶۰/۵).^{۳۷}

اما در منابع دسته دوم وجوه متعددی برای نقد آرای قدما و اثبات وثاقت سهل بن زیاد ذکر شده که در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم.

ادله توثیق سهل

۱- اکتار قدما

پیش‌تر بیان شد که نام سهل بن زیاد در بیش از ۲۵۰۰ سند از اسناد احادیث کتب اربعه وجود دارد که از این تعداد، بیش از ۱۹۰۰ سند، سهم کتاب شریف کافی است که نسبت به مجموع اسناد کافی - بیش از ۱۸ هزار سند - عدد بسیار بزرگی به‌شمار می‌آید.

اهتمام مشایخ ثلاثه به‌ویژه شیخ کلینی به نقل احادیث سهل از مهم‌ترین دلایلی می‌باشد که برای اعتماد به او در منابع متأخر مورد توجه قرار گرفته است.

مجلسی اول (متوفای ۱۰۷۰ ق) از نخستین عالمانی است که به این وجه توجه نشان داده است:

«و کیف يجوز طرح الخبر الذي هو فيه... مع أن المشايخ العظام نقلوا عنه كثرة الإسلام محمد بن يعقوب الكليني و رئيس المحدثين محمد بن بابويه، و شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي» (روضه المتقين: ۲۶۲/۱۴).^{۳۸}

بعدها این وجه مورد عنایت بیش‌تری قرار گرفت و محققان متعددی به آن استناد کردند. وحید بهبهانی از این افراد است. او در تعلیقه معروف خود بر رجال استرآبادی، در مقام نقد رأی مشهور درباره سهل می‌نویسد:

«اشتهر الآن ضعفه، و لا يخلو من نظر... لكونه كثير الرواية جداً... و لرواية جماعة من الأصحاب عنه كما هو المشاهد... بل و رواية أجلائهم عنه، بل و إكثارهم من الرواية عنه، منهم عدّة من أصحاب الكليني، و سيجي ذكرهم في الخاتمة (رجال العلامة الحلي: ۴۳۰) ۳۹، و الكليني مع نهاية احتياطه في أخذ الرواية و احترازه عن المتهمين كما هو ظاهر و مشهور، و ينبه عليه ما سيجي في ترجمته إكثاره من الرواية عنه بمكان سيما في كافي الذي قال في صدره ما قال، فتأمل» (منهج المقال: ۱۲۵/۶).^{۴۰}

سید محمد مهدی بحر العلوم رجالی دیگری است که به این وجه استدلال نموده است:

«و الاصح توثيقه، وفاقاً لجماعة من المحققين... لاعتماد أجلاء أصحاب الحديث كالصدوقين و الكليني و غيرهم عليه، و إكثارهم الرواية عنه، مضافا الى كثرة رواياته في الأصول و الفروع» (رجال السيد بحر العلوم: ۲۱/۳).^{۴۱}

مشابه این استدلال در آثار محققان دیگری مانند سید کاظمی (عده الرجال: ۴۴۶/۱)^{۴۲}، مامقانی

(تنقيح المقال: ۱۸۹/۳۴)^{۴۳}، کجوری شیرازی (الفوائد الرجالية: ۱۴۳)^{۴۴} و حاجی نوری

(مستدرک الوسائل: ۲۲۲/۲۳)^{۴۵} نیز به‌چشم می‌آید. در دوره معاصر، فقیهان بسیاری به اعتبار

شخصیت روایی سهل بن زیاد نظر داده و بر همین اساس به روایات وی در فقه خود استناد کرده‌اند.

امام خمینی از جمله دانشورانی است که وثاقت سهل را بر پایه همین اکتار قدما و اعتنای مشایخ اثبات نموده است:

«فإن سهل بن زیاد و إن ضَعْفَ لَكِنَّ المَتَّبِعَ فِي رِوَايَاتِهِ يَطْمَئِنُّ بِوَثَاقَتِهِ مِنْ كَثْرَةِ رِوَايَاتِهِ وَ إِتْقَانِهَا وَ اعْتِنَاءِ المَشَايخِ بِهَا فَوْقَ مَا يَطْمَئِنُّ مِنْ تَوْثِيقِ أَصْحَابِ الرِّجَالِ، كَمَا رَجَّحْنَا بِذَلِكَ وَثَاقَةَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمِ القَمِّيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ النِّسَابُورِيِّ رَاوِيَةَ الفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ غَيْرَهُمَا» (الطهارة (للإمام الخميني): ۲۵۸/۱).^{۴۶}

۲- «معمول به» بودن روایات

وجه دیگری که اغلب ذیل وجه قبلی مورد توجه قرار گرفته، «معمول به» بودن روایات سهل است. گستردگی روایات این راوی در سراسر ابواب جوامع روایی و استناد فقهای امامیه به روایات او از وجوه مهمی می‌باشد که برای اثبات اعتبار روایات و قابل اعتماد بودن شخصیت روایی سهل به آن استناد شده است. برای نمونه، وحید بهبهانی با عبارت «و لأنّ روایاته سديدة مقبولة مفتی بها» (منهج‌المقال: ۶/ ۱۲۵ (تعليقة الوحید)).^{۴۷} و سید بحر العلوم با تعبیر «و سلامة روایاته من وجوه الطعن و الضعف» (رجال السید بحر العلوم (الفوائد الرجالية): ۲۱/۳)^{۴۸} به این استدلال اشاره کرده‌اند.

۳- روایت آجلاء

روایت جمعی از راویان ثقه و جلیل‌القدر از سهل بن زیاد، از دیگر وجوهی است که مورد اعتنای مدافعان وثاقت سهل قرار گرفته است. محدث نوری در پایان مستدرک‌الوسائل، نام این افراد را ذکر کرده و موضع روایت آن‌ها در کتب روایی را هم مشخص نموده است (مستدرک‌الوسائل: ۲۱۹/۲۳-۲۲۲).^{۴۹} محمد بن یحیی عطار، حسن بن متیل، محمد بن حسن صفّار، محمد بن علی بن محبوب، علی بن محمد علّان و محمد بن جعفر اسدی از جمله این راویان‌اند که روایاتی را از سهل نقل کرده‌اند.

۴- توثیق شیخان (مفید و طوسی)

در برابر تضعیفاتی که از قدما صادر شده، توثیقاتی از آن‌ها نیز در میان منابع رجالی، روایی و فقهی امامیه به چشم می‌آید. از شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) موضع روشنی درباره سهل بن زیاد در دسترس نیست، اما برخی قرائن حکایت از اعتماد او به سهل دارد. وحید بهبهانی در تقریر این دلیل می‌نویسد: «إنّهم [ای الاصحاب] ربّما تأمّلوا فی السند الذی هو [ای السهل] فیهِ من غیر جهة و لم یتأمّلوا فیهِ قط... منهم: المفید فی رسالته فی الرد علی الصدوق حیث ذکر حدیثاً دالّاً علی مطلوب الصدوق، سنده محمّد بن یحیی، عن سهل بن زیاد الآدمی، عن محمّد بن إسماعیل، عن بعض أصحابه، عن الصادق علیه السلام، فطعن علیه بوجوه

كثيرة و بذل جهده في الاتيان بها و تشبث في طرحه، و أنه لا أصل له بما أمكنه و قدر عليه و لم يقدر في سنده إلا من جهة الإرسال» (منهج‌المقاله: ۱۲۸/۶ (تعليقه‌الوحيد)).^{۵۰}

در توضیح بیش‌تر این دلیل باید گفت، مرحوم مفید در رساله عددیه که در مقام رد اندیشه‌ای از شیخ صدوق است، نخست حدیثی از حذیفه بن منصور نقل می‌کند که در سند آن محمد بن سنان قرار دارد، سپس این روایت را به‌واسطه حضور ابن سنان رد می‌نماید. بعد از آن مفید روایت دیگری آورده که در سند آن سهل بن زیاد واقع شده است، اما مفید با آنکه آن روایت را هم تضعیف می‌کند، اما با سهل مانند محمد بن سنان برخورد نکرده و اعتبار روایت را به جهت حضور سهل نفی نمی‌کند. توثیق شیخ طوسی نیز مورد توجه برخی عالمان قرار دارد (همان: ۱۲۵).^{۵۱} پیش از این در شرح اندیشه متقدمان، به تعارض اقوال شیخ طوسی اشاره کردیم. شیخ با آنکه در استبصار و فهرست به تضعیف سهل پرداخته، اما در رجال خود به‌هنگام ذکر نام او در شمار اصحاب امام هادی (ع)، سهل را به‌صراحت توثیق نموده است (رجال‌الطوسی: ۳۸۷).^{۵۲} غیر از این، استدلالی مشابه آنچه درباره اندیشه مفید بیان شد، درباره شیخ هم مطرح شده است، یعنی شیخ طوسی نیز در سراسر کتاب روایی خود «تهذیب‌الاحکام» از نقد روایات به‌واسطه حضور سهل بن زیاد اجتناب کرده است. مجلسی اول با عبارت «مع أنّ الشیخ کثیرا ما یذکر ضعف الحدیث بجماعة و لم یتفق فی کتبه مرة أن یطرح الخبر بسهل بن زیاد» (روضه‌المتقین: ۲۶۲/۱۴)^{۵۳} به این وجه اشاره نموده است.^{۵۴}

۵- سایر ادله

مکاتبه با ائمه طاهرین (ع)، وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی، وقوع در اسناد کامل‌الزیارات، از مشایخ اجازه بودن از دیگر ادله‌ای است که در برخی منابع متأخر برای اثبات وثاقت سهل و اعتبار روایات او مطرح شده است که در این مجال از نقل تفصیلی آن‌ها خودداری می‌کنیم (ر.ک: الفوائد‌الرجالیه (کجوری شیرازی): ۱۴۳).^{۵۵}

ریشه‌یابی و نقد تضعیفات متقدمان

جمعی از محققان مدافع وثاقت سهل بن زیاد (مستدرک‌الوسائل: ۲۳۰/۲۳)^{۵۶} بر این باورند که منشأ اصلی تضعیف سهل در آثار قدما، قول و فعل احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است. قبلاً گذشت که او سهل را به غلو و دروغ‌گویی متهم ساخت و از قم اخراج کرد و به گزارش ابن غضائری، مردم را از شنیدن سخنان سهل نهی نمود، درحالی‌که تضعیف احمد اشعری در این مورد قابل‌اعتماد نیست:

«ان الظاهر كما نصّ عليه جماعة: أنّ منشأ تضعيفه [ای النجاشی] ما نقله عن أحمد، بل و مستند غيره، فإنه كان جليلاً عظيماً رئيساً في الشيعة، يحتج بقوله و فعله في أمثال هذا المقام، فالمهم لمن يريد تزكية سهل، الجواب عن قدحه».

در توضیح این نظریه آورده‌اند که اگرچه احمد اشعری از روایان ثقه و جلیل‌القدر است، اما در مواضع متعددی در حق گروهی از روایان حدیث ارزیابی اشتباهی داشته و بعد از مدتی از اشتباه خود بازگشته است. رجوع وی از گفتار و رفتار خود در مسأله اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم (رجال ابن الغضائری: ۳۹) ^{۷۷}، متهم ساختن حسن بن محبوب در نقل از ابوحمزه ثمالی (رجال النجاشی: ۸۲) ^{۷۸} و بی‌اعتمادی به یونس بن عبدالرحمن (اختیار معرفة الرجال: ۷۸۷/۲) ^{۷۹}، سه مورد از این اقدامات می‌باشد که در منابع متقدم گزارش شده است.

وثاقت و جایگاه برجسته احمد بن محمد بن عیسی در قم موجب گشته نه تنها اصحاب قمی مانند ابن ولید و شاگردش صدوق، بلکه اصحاب بغدادی مانند ابن غضائری، نجاشی و شیخ طوسی نیز رأی او در تضعیف سهل بن زیاد را بپذیرند.

در باور این محققان، مطلبی هم که از فضل بن شاذان نیشابوری در ذکر حماقت سهل نقل شده است، در واقع نه تضعیف عقاید و شخصیت روایی سهل که تنها مذمت برخی رفتارهای نسنجیده او در بیان برخی احادیث بوده است (الفوائد الرجالیة (کجوری شیرازی): ۱۴۴). ^{۶۰} نتیجه آنکه منشأ صحیحی برای تضعیف سهل وجود نداشته و تمسک به ادله‌ای چون: اکثر قداما برای اثبات اعتبار او موجه‌تر است.

۴- اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای از معدود فقیهانی است که به‌جای نقد ادله تضعیف سهل بن زیاد و دفاع از وثاقت مطلق این راوی، دیدگاه خاصی را اختیار کرده و تنها به اعتبار روایات سهل در کتاب شریف کافی حکم کرده است. در اندیشه معظم‌له، اثبات وثاقت سهل در برابر تضعیفات صریح و پُر تعدادی که از متقدمان رسیده، کار دشواری است، اما می‌توان اعتبار روایات او در خصوص کتاب کافی را پذیرفت. این اندیشه‌ای است که آیت‌الله خامنه‌ای در مجموعه دروس فقهی خود - شامل مباحث جهاد (ر.ک: ثلاث رسائل فی الجهاد: ص ۲۵۰-۲۵۱) ^{۶۱}، قصاص ^{۶۲}، مکاسب محرمة ^{۶۳} و صلاة مسافر ^{۶۴} - بارها به آن اشاره نموده و بر پایه آن، روایات سهل را معتبر و شایسته استناد فقهی دانسته‌اند. معظم‌له خود را مُبدع این نظریه نمی‌دانند و چنین دیدگاهی را به یکی از رجالیان برجسته معاصر - شیخ محمدتقی شوشتری - نسبت می‌دهند:

«و اما سهل بن زیاد فالظاهر فيه ما ابداه بعض الاعاظم من اهل التدقيق من معاصرینا فی کتابه «قاموس الرجال» من أنّ اخبار سهل فی الکافی معتبرات اختارها الكلینی لکتابه فلا ینافی ذلك ما علیه الاکثر من ائمة الرجال من جرحه و تضعیفه و بنائاً علی ذلك فالروایة معتبرة» (رسائل فی الجهاد: ۲۵۰-۲۵۱).^{۶۵}

همچنان‌که در جای دیگری فرموده‌اند:

«در مورد ثقه بودن سهل بن زیاد، بحثهایی شده و اقوال مختلفی هست، لکن قول صحیح به نظر ما همان قولی است که مرحوم علامه شوشتری در قاموس الرجال ذکر کرده‌اند، که گرچه سهل بن زیاد را به طور مطلق نمی‌توان ثقه شمرد... لکن روایاتی که مرحوم کلینی در کافی از ایشان نقل کرده، موثّق به هستند».^{۶۶}

مراجعه به کتاب قاموس الرجال درستی اسناد معظم له را تایید می‌نماید (ر.ک: قاموس الرجال: ۳۶۲/۵)^{۶۷}، با این حال باید توجه داشت که صاحب قاموس این اندیشه را با تعبیر «یمكن أن یقال» مطرح کرده‌اند، در حالیکه آیت الله خامنه‌ای آن را مستدل ساخته و به صورت نظریه‌ای با پایه‌های علمی پذیرفته‌اند.

مبانی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در چند موضع به تبیین مبانی نظریه مختار خود پرداخته‌اند. پیش از تحلیل دیدگاه معظم له، بخش مهمی از کلمات ایشان در تبیین رأی مختار را از نظر می‌گذرانیم:

«پیش‌تر گفتیم که ما به روایت سهل بن زیاد که در کافی از آن بزرگوار نقل شده است، اعتماد داریم. البته ما فرمایشات مرحوم آیت‌الله خوئی و بعضی کلمات دیگران و جمع‌بندی بعضی از رفقای بحث را که برای ما فرستاده‌اند و حاصل آن اعتماد به سهل بن زیاد است، دیده‌ایم، لکن آن را به طور مطلق قبول نداریم. وقتی نجاشی که خریط این فن و از بهترین علمای رجالی ما می‌باشد، درباره‌ی ایشان می‌گوید: «غیر معتمد، ضعیف فی الحدیث»، و بعد نقل می‌کند احمد بن محمد بن عیسی که رئیس اشعریون بود، در قم، کان یشهد علیه بالغلو و الکذب. نه فقط به غلو او شهادت می‌داد... بلکه یشهد علیه بالکذب. از این رو او را از قم به ری تبعید کرد. بنابراین نمی‌شود به طور مطلق به روایات این بزرگوار اعتماد نمود و اگر به روایات اش در کافی اعتماد می‌کنیم، به خاطر عظمت کلینی است.

کلینی خودش اهل ری بود و از این بزرگوار با یک واسطه روایت می‌کند. آن واسطه هم عده‌ای هستند که در میان آن‌ها علی بن محمد علان کوفی است که ثقه و بسیار

شخص عالی‌قدری می‌باشد و صدها مورد از این بزرگوار احکام را روایت کرده است. حال آن‌جایی که کلینی از او روایت می‌نماید، کلینی که خودش خَرِیْطُ فَن حَدِیْثِ می‌باشد و همه این حرف‌هایی را که ما شنیده‌ایم، او هم شنیده است. او صَرَّافٌ و نَقَّادٌ این کار می‌باشد، تشخیص می‌دهد که این روایت درست است، بنابراین آن‌ها را نقل می‌کند. کما اینکه انصافاً هم هر جا ما روایات سهل بن زیاد را در کافی ملاحظه می‌کنیم، اغلب همین روایت رایج و معمول به و معروف عندالاصحاب است. شاید روایات دیگر او این جور نباشد. آنچه شیخ کلینی از این بزرگوار نقل کرده است، امارات و ثاقت دارد.

اعتماد مشایخ و بزرگان [مانند کلینی] از یک طرف، از آن طرف هم البته جرح عجیب نجاشی است که کم‌تر کسی را این طور جرح کرده است؛ جمع بین این‌ها این است که بگوئیم وقتی مثل کلینی که این کتاب (کافی) را برای تبیین حلال و حرام نوشته است و خودش هم در مقدمه کتاب تقریباً به این مضمون می‌گوید: «این چیزهایی را که اینجا نوشته‌ام، حجت بین من و خدا می‌باشد و برای این است که مردم معالم دین‌شان را استفاده کنند»، معلوم می‌شود که ایشان در بین روایات سهل بن زیاد آنچه را مورد اعتماد بوده، انتخاب کرده است.^{۶۸}

[ظاهر آن است که] مرحوم کلینی در روایات سهل تفحص نموده و با قرائتی که در دست داشته‌اند آنچه [را] که مورد اعتماد ایشان بوده نقل کرده‌اند، از این رو ما به نقل ایشان اعتماد می‌کنیم.^{۶۹}

[در نتیجه] اگرچه ما خود سهل بن زیاد را به علت تضعیف‌هایی که نسبت به او شده، موثوق به نمی‌دانیم، اما آن روایاتی که کلینی از ایشان نقل می‌نماید اگر معارضی نداشته باشد، قبول می‌کنیم.^{۷۰}

با توجه به آنچه آیت‌الله خامنه‌ای در این سطور بیان فرموده‌اند، خلاصه استدلال معظم‌له در اعتماد به روایات سهل بن زیاد رازی در کتاب شریف کافی را می‌توان این چنین تقریر کرد:

۱- با وجود جرح صریح متقدمان، به‌ویژه رجالی برجسته‌ای مانند نجاشی، نمی‌توان از وثاقت مطلق سهل دفاع کرد و در نتیجه، تمام روایات او را معتبر دانست.

۲- اعتماد ما به روایات سهل در کتاب کافی بر پایه اعتماد به شیخ کلینی است، زیرا کلینی: اول، حدیث‌شناس بسیار برجسته‌ای می‌باشد. او خَرِیْطُ فَن حَدِیْثِ و صَرَّافٌ و نَقَّادٌ این کار بوده است.

دوم، او اهل ری است، همان شهری که سهل مدتی پیش در آن می‌زیسته و کلینی با یک واسطه از سهل نقل می‌کند و در میان واسطه‌های کلینی و سهل، ثقه جلیلی مانند علی بن محمد علان قرار دارد. سوم، کلینی هم از تضعیفاتی که در حق سهل صورت گرفته و از سوی بزرگانی مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری ابراز شده، باخبر بوده است (یعنی نمی‌توان او را متهم به بی‌خبری کرد). چهارم، کلینی کتاب خود را در معارف و حلال و حرام و به‌عنوان مرجع برای مردم به نگارش در آورده و پیداست که باید نهایت دقت و احتیاط را در گزینش و انتخاب اخبار به‌کار گرفته باشد. او در چنین کتابی بیش از هزار روایت از سهل در معارف و احکام نقل نموده است. پنجم، کلینی از متقدمان امامیه است و به فرائی دسترسی داشته که او را در اختیار روایات معتبر سهل یاری کرده است.^{۷۱}

۳- با عنایت به آنچه بیان شد، اگرچه نمی‌توان وثاقت سهل را به‌طور مطلق مورد تأیید قرار داد، اما می‌توان آنچه را کلینی از روایات او انتخاب و در کافی نقل کرده به‌عنوان اخبار معتبر امامیه پذیرفت و در استنباط معارف و احکام دینی به آن‌ها استناد جست.

پیداست که آیت‌الله خامنه‌ای بنیان نظریه خود را بر اعتماد به کلینی استوار ساخته‌اند. برای تبیین منطق اعتماد معظم‌له به کلینی، لازم است چرایی اکثر مرحوم کلینی از سهل بن زیاد رازی روشن شود. در واقع جای این سؤال وجود دارد که چرا شیخ کلینی که «اوثق الناس فی الحدیث و اثبتهم» (رجال النجاشی: ۳۷۷)^{۷۲} خوانده شده، در کتابی که «اجل کتب الشیعة و اکثرهم فائدة» (تصحیح اعتقادات الامامیه: ۷۰) ^{۷۳} معرفی گشته، اقدام به نقل بیش از هزار روایت از کسی نموده که تضعیفات صریحی در حق او صورت گرفته است؟ به عبارتی دیگر، با وجود تضعیفات فراوانی که علیه سهل صورت گرفته (مانند اخراج او از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری)، اکثر مرحوم کلینی در کافی بر چه پایه‌ای صورت گرفته است؟

در پاسخ به این سؤالات دو مبنا را می‌توان مطرح کرد:

(۱) مرحوم کلینی همچون گروهی از متأخران به وثاقت سهل باور داشته، از این رو با روایات او معامله روایات ثقات را نموده است.

(۲) مؤلف کافی با وجود عدم اعتقاد به وثاقت این راوی، بر پایه قرائن و شواهد، روایاتی را از مجموعه روایات سهل گزینش نموده و در کافی نقل کرده است.

در کلمات آیت‌الله خامنه‌ای هر دو احتمال مطرح شده است. در برخی مواضع، اکثر کلینی را ناشی از اعتقاد او به وثاقت سهل دانسته‌اند:

«سهل بن زیاد را عرض کردیم بعضی در روایت‌اش اشکال می‌کنند، لکن ما وثوق به روایت او را تقویت می‌نمائیم، در آن روایاتی که در کافی، کلینی از او نقل می‌کند؛ چون [کلینی] از سهل بن زیاد روایات زیادی نقل کرده است، خود این دلیل بر وثاقت است. کلینی که می‌خواهد کتابی بنویسد که برای امت، مرجع حلال و حرام باشد، از يك آدم ضعیف این همه - حدود هزار روایت یا بیش‌تر - نقل [نمی‌کند]».^{۷۴}

و در مواضع دیگری که در مقام استدلال تفصیلی برای نظریه‌ی خود بوده‌اند، به اتکای کلینی به قرائن نظر داده‌اند:

«مرحوم کلینی در روایات سهل تفحص نموده و با قرائنی که در دست داشته‌اند،

آنچه [را] که مورد اعتماد ایشان بوده، نقل کرده‌اند».^{۷۵}

حال اگر مبنای اکثر کلینی از سهل را، مبنای اول یعنی اعتقاد او به وثاقت سهل بدانیم، باید این مورد را مانند سایر موارد اختلافی در علم رجال تحلیل کنیم. کم نیستند راویانی که درباره وثاقت و ضعف آن‌ها اختلافات زیادی وجود دارد. برای نمونه، محمد بن عیسی عبیدی توسط ابن ولید قمی و شاگردش صدوق تضعیف شده و روایات‌اش توسط آن‌ها از کتاب «نوادرالْحکمة» محمد بن احمد بن یحیی اشعری استثناء شده است (الفهرست: ۴۰۲)^{۷۶}، اما نجاشی او را توثیق کرده و از مخالفت اصحاب با اندیشه ابن ولید خبر داده است (رجال‌النجاشی: ۲۳۴).^{۷۷} در چارچوب این مبنای سهل بن زیاد هم از این دسته راویان است (راویان مختلف‌فیه) یعنی درحالی که جمعی از اعلام، از احمد بن محمد بن عیسی اشعری تا نجاشی و ابن غضائری، او را ضعیف دانسته‌اند، محدث و عالم متقدمی چون: کلینی او را ثقه دانسته و بر این اساس، روایات فراوانی را از این راوی ثقه در کتاب خود نقل کرده است. باید توجه داشت که کلینی زمینه‌ی حسنی مخالفت با رأی کسانی مانند احمد اشعری را هم داشته است. او در شهری به دنیا آمده و رشد نموده است که سهل سال‌های پایانی عمرش را در آنجا گذرانده است و توانسته محضر چندین نفر از شاگردان سهل را درک نماید که یکی از آن‌ها ثقه جلیلی چون علی بن محمد علان می‌باشد که دایی کلینی نیز بوده است.

اگر این مبنا را تصدیق کنیم (یعنی وثاقت سهل نزد کلینی)، در توضیح اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای باید بگوئیم که معظم‌له توثیق کلینی را بر تضعیف دیگران ترجیح داده است، اما با عنایت به صراحت و تعداد تضعیفات صادره از قداما، با گونه‌ای احتیاط، اعتماد به روایات سهل را صرفاً به موارد منقول در کتاب کافی محدود کرده‌اند، همچنان‌که خود در موضعی بعد از شرح مبنای نخست، در چرایی اکثر کلینی از سهل فرموده‌اند: «این، توثیق کلینی است و به‌نظر ما از بالاترین توثیق‌ها می‌باشد»^{۷۸}، یا در جای دیگری فرموده‌اند:

«این، توثیق است، بالاتر از این است که به زبان بگوید ثَقَّةٌ و اهمیّت توثیق امثال صدوق و کلینی، کم‌تر نیست از توثیق امثال نجاشی و شیخ».^{۷۹}

اما در صورتی که مبنای اکثر کلینی را نه اعتقاد او به وثاقت سهل، که بر مبنای دوم، یعنی اعتبارسنجی و گزینش قرینه‌محور تحلیل کنیم، اعتماد آیت‌الله خامنه‌ای به روایات سهل، در اعتماد به مقام علمی و عملی کلینی در انتخاب به جای روایات معتبر سهل ریشه خواهد داشت، همان‌طور که فرموده‌اند:

«اگر به روایات سهل در کافی اعتماد می‌کنیم، به خاطر عظمت کلینی است ... کلینی که خودش خَرِیْطُ فَن حَدِیْثِ مِی‌باشد ... او صِرَاف و نَقَاد این کار است، تشخیص می‌دهد که این روایت درست است، از این رو آن‌ها را نقل می‌کند ... وقتی مثل کلینی که این کتاب (کافی) را برای تبیین حلال و حرام نوشته است و خودش هم در مقدمه کتاب تقریباً به این مضمون می‌گوید: «این چیزهایی را که اینجا نوشته‌ام، حجت بین من و خدا می‌باشد و برای این است که مردم معالم دین‌شان را استفاده کنند»؛ معلوم می‌شود که ایشان در بین روایات سهل بن زیاد آنچه را مورد اعتماد بوده، انتخاب کرده است».^{۸۰}

در این مبنا سخن از وثاقت سهل بن زیاد رازی نیست، بلکه سخن از قرآنی است که محدثانی مانند کلینی با تکیه بر آن‌ها احادیث معتبر راویان را گزینش نموده‌اند. تبیین این مبنا نیازمند گسترش بحث در شناسایی مبانی اعتبارسنجی قدماست، بحثی که بی‌شک دستاوردهای آن، فراتر از اعتبارسنجی روایات سهل بن زیاد خواهد بود.

درنگی در شیوه اعتبارسنجی قرینه‌محور

جست‌وجو در منابع علمی امامیه، نشان‌دهنده آن است که معنای حدیث صحیح در اندیشه متقدمان و متأخران یکسان نیست. صحیح از دیدگاه متأخران حدیثی است که سند آن در همه طبقات، مشتمل بر راویان امامی مذهب و عادل باشد (مقباس الهدایه: ۱۲۳).^{۸۱} چنین حدیثی قابل اعتماد است، همچنانکه حدیث حسن و موثق نیز قابل اعتماد شمرده می‌شوند. در حدیث حسن، بعضی از راویان به جای تعدیل، تنها ستایش شده‌اند، در حالی که همه بر مذهب حق هستند و در حدیث موثق، عده‌ای به جای مذهب امامی بر یکی از مذاهب انحرافی هستند، در حالی که همه توثیق دارند. در مقابل این سه گونه حدیث، حدیث ضعیف قرار دارد که به دلیل ابتلا به ارسال یا اشتغال بر راویان ضعیف یا مجهول و مهمل ضعیف خوانده می‌شود (همان: ۱۴۶).^{۸۲} در اندیشه رایج در دوران اخیر،

حدیث ضعیف شایسته‌ی استناد نیست و نمی‌توان آن را در راه استنباط آموزه‌های دینی به‌کار گرفت (مصباح‌الاصول: ۱/۲۳۴).^{۸۳}

اگر نیک بنگریم معیار صحت و ضعف حدیث در این تقسیم‌بندی، تنها سند حدیث و احوال و اوصاف راویان آن است که بر پایه‌ی داده‌های منابع رجالی درباره‌ی هویت، مذهب و وثاقت و ضعف راویان صورت می‌پذیرد.

در چارچوب این تقسیم‌بندی است که عده‌ای کتاب کافی را مشتمل بر ۵۰۷۲ حدیث صحیح، ۱۴۴ حدیث حسن، ۱۱۱۸ حدیث موثق و ۹۴۸۵ حدیث ضعیف معرفی کرده‌اند (گزیده کافی: ۲۱/۸۴، آماری که حکایت از ضعف حدود دو سوم احادیث کافی دارد.

اما به‌تصریح جمعی از محققان بزرگ، چنین تعاریفی از صحت و ضعف احادیث در فرهنگ علمی متقدمان امامیه شناخته شده نبوده و آن‌ها صحیح و ضعیف را در معنای دیگری به‌کار می‌برده‌اند. شیخ بهایی از جمله عالمانی است که به اختلاف مهم متقدمان و متأخران در معنای صحت و ضعف حدیث توجه کرده و در توضیح آن گفته‌اند:

«قد استقرّ اصطلاح المتأخّرين من علمائنا رضي الله عنهم على تنويع الحديث المعتبر و لو في الجملة إلى الأنواع الثلاثة المشهورة، أعني: الصحيح، و الحسن، و الموثق. بأنّه ان كان جميع سلسلة سنده إماميين ممدوحين بالتوثيق، فصحيح، أو إماميين ممدوحين بدونه كلا أو بعضا مع توثيق الباقي فحسن، أو كانوا كلا أو بعضا غير اماميين مع توثيق الكلّ فموثق و هذا الاصطلاح لم يكن معروفا بين قدمائنا قدس الله أرواحهم، كما هو ظاهر لمن مارس كلامهم، بل كان المتعارف بينهم إطلاق الصحيح على كلّ حديث اعتضد بما يقتضي اعتمادهم عليه، أو اقترن بما يوجب الوثوق به و الركون اليه» (مشرق الشمسین: ۲۴/۸۵)

طبق این تعریف که مورد تأیید بزرگان دیگری مانند صاحب معالم (منتقى الجمال: ۱۴/۸۶)، فیض کاشانی (الوافی: ۱/۲۲/۸۷)، علامه مجلسی (ملاذالخيار: ۱/۲۲-۲۳/۸۸) و محقق بحرانی (الحدائق الناضرة: ۱/۱۵/۸۹) نیز قرار گرفته، قدما، صحیح را به حدیثی می‌گفتند که بر پایه قرائن، نسبت به صدق آن، وثوق و اطمینان حاصل شده باشد، ولو آنکه در سند آن راوی ضعیفی جای گرفته باشد، و ضعیف را در حق روایتی به‌کار می‌برده‌اند که به‌واسطه فقدان قرائن، اطمینانی نسبت به صدق آن و صدورش از ائمه (ع) وجود ندارد؛ همچنان‌که فرزند شهیدثانی (صاحب معالم) در مقام تبیین سیره قدما معتقد است که متقدمان امامیه نه‌تنها هیچ علمی به تقسیم‌بندی چهارگانه احادیث

نداشته‌اند، بلکه اساساً به دلیل دسترسی به قرائن متعددی که صدق خبر را تأیید می‌کردند، احتیاجی به این نوع اصطلاحات نداشتند:

«فانّ القدماء لا علم لهم بهذا الاصطلاح قطعاً لاستغنائهم عنه فی الغالب بکثرة القرائن الدالة علی صدق الخبر و ان اشتمل طریقته علی ضعف» (منتقى الجمان: ۱۴)
(منتقى الجمان: ۱۴).^{۹۰}

در برخی پژوهش‌ها از این گونه اعتبارسنجی به «اعتبارسنجی قرینه محور» در برابر «اعتبارسنجی راوی محور» تعبیر شده و در توضیح بیش‌تر آن آمده است که آنچه امروزه به‌عنوان گرایشی فراگیر در حوزه‌های علمیه و جوامع دانشگاهی پذیرفته شده، رویکردی است که بیش از هفت قرن یعنی از مدرسه حله تاکنون، در اعتبارسنجی احادیث شیعه حاکم می‌باشد. در این رویکرد با استفاده از دانش رجال به سراغ احادیث می‌روند و آن‌ها را با نظر به ویژگی‌هایی که در کتاب‌های رجال برای راویان برشمرده شده به صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کنند و اعتبار یا عدم اعتبار روایات را بررسی می‌نمایند. در این نگاه که اعتبارسنجی راوی محور نامیده می‌شود، نقش بنیادین در حکم به اعتبار یا عدم اعتبار روایت از آن راوی می‌باشد، یعنی ویژگی‌های راوی است که به روایت بها می‌دهد یا از بهای آن می‌کاهد، بی‌آنکه به امور جانبی و پیرامونی توجه جدی شود. در برابر اعتبارسنجی راوی محور که خاستگاه‌اش مدرسه حله بوده است، رویکرد دیگری در تاریخ حدیث شیعه وجود داشته که متعلق به پیشینیان می‌باشد و می‌توان آن را اعتبارسنجی قرینه محور خواند. در این گونه اعتبارسنجی ویژگی‌های راوی تنها یکی از نشانه‌های حکم به درستی یا نادرستی حدیث است، درحالی‌که نشانه‌ها و قرائن دیگری هم وجود دارد.^{۹۱}

به نظر می‌رسد آنچه در کلمات بزرگان درباره سیره متقدمان در تحصیل و ثوق به صدق احادیث با تکیه بر قرائن بیان شده است، سیره‌ای ضابطه‌مند بوده، یعنی قرائن مطلوب آن‌ها نزدشان روشن و منقح بوده است. شیخ طوسی در آثار خود بخشی از این قرائن را تبیین کرده است.^{۹۲} شیخ در مقدمه کتاب «الاستبصار» پس از آنکه اخبار را به دو دسته متواتر و واحد تقسیم نموده و خبر متواتر را به جهت علم‌آوری ذاتی آن، بی‌نیاز از اعتبارسنجی معرفی می‌کند، به بررسی معیار اعتبار خبر واحد پرداخته است. از نظر شیخ، خبر واحد در صورتی که همراه با قرائن علم‌آوری باشد، مانند خبر متواتر قابل اعتماد می‌باشد:

«و ما لیس بمتواتر علی ضرب من یوجب العلم أیضاً، و هو کل خبر تقترن الیه قرینة توجب العلم، و ما یجری هذا المجری یجب ایضاً العمل به، و هو لاحق بالقسم الأول، و القرائن أشياء كثيرة منها ان تكون مطابقة لادلة العقل و مقتضاه، و

منها ان تكون مطابقة لظاهر القرآن: إما لظاهرة أو عموماً أو دليل خطاب أو فحواه، فكلّ هذه القرائن توجب العلم و تخرج الخبر عن حيز الآحاد و تدخله في باب المعلوم، و منها ان تكون مطابقه للسنة المقطوع بها إما صريحاً أو دليلاً أو فحوى أو عموماً، و منها ان تكون مطابقه لما اجمع المسلمون عليه، و منها ان تكون مطابقه لما اجمعت عليه الفرقة المحققة فان جميع هذه القرائن تخرج الخبر من حيز الآحاد و تدخله في باب المعلوم و توجب العمل به» (الاستبصار: ۳/۱-۴).^{۹۳}

ناگفته نماند که علاوه بر قرائن مذکور در کلام شیخ که از آن‌ها به قرائن داخلی تعبیر می‌گردد، و صحت و استحکام مضمون و درون‌مایه احادیث را در پرتوی موافقت آن‌ها با دلیل عقل، نص و ظاهر قرآن، اجماع مسلمین و شیعیان و سنتی که اعتبارش از قبل ثابت شده است، تأمین می‌کند، وثاقت راوی هم که به آن قرینه خارجی گفته می‌شود، در جای خود اهمیت دارد و به گفته شیخ در فرض فقدان قرائن داخلی، مورد پیروی قرار می‌گیرد (العهده: ۱۲۶/۱-۱۲۷).^{۹۴}

غیر از قرائنی که شیخ طوسی به آن‌ها اشاره کرد، عالمان برجسته‌ای مانند شیخ بهایی و فیض کاشانی در آثار خود به قرائن دیگری هم اشاره نموده‌اند و معتقدند که متقدمان امامیه مانند مؤلفان کتب اربعه در قرون چهارم و پنجم به‌هنگام گردآوری احادیث و تدوین جوامع جدید روایی به این قرائن جهت تحقق و ثوق به صدق احادیث توجه داشته‌اند. برخی از این قرائن عبارت‌اند از:

۱- نقل حدیث در یکی از نگاهشده‌هایی که قبلاً به محضر یکی از امامان (ع) عرضه شده و مورد تأیید آن‌ها قرار گرفته است، مانند کتاب عبیدالله بن علی حلبی که به محضر امام صادق (ع) عرضه شده یا کتاب‌هایی از یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان که به محضر امام حسن عسکری (ع) عرضه شده‌اند.

۲- نقل حدیث در یکی از نگاهشده‌های مورد اعتماد اصحاب ائمه (ع) مانند کتاب صلاة از حریر بن عبدالله سجستانی.

۳- نقل حدیث در کتب روایانی که طایفه امامیه بر تصدیق آن‌ها اجماع دارد، مانند محمد بن مسلم، فضیل بن یسار، محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی.

۴- تکرار حدیث در یکی از اصول چهارصدگانه یا تکرار آن در چند اصل با طرق و اسناد متعدد (الوافی: ۲۲/۱).^{۹۵}

گفتنی است که ضوابط و قرائنی که برای اعتماد به احادیث منسوب به اهل بیت (ع) مورد توجه قدما قرار گرفته، در واقع ریشه در تدابیر ائمه اطهار (ع) داشته و توسط خود آن بزرگواران پایه‌گذاری شده‌اند که توضیح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

جایگاه راویان ضعیف در اعتبارسنجی قرینه‌محور

با عنایت به آنچه درباره مبانی قدما در اعتبارسنجی احادیث بیان شد، این سؤال مهم پیش می‌آید که تکلیف احادیث راویان ضعیف یا متهم چیست؟ نحوه مواجهه و تعامل قدما - از جمله مرحوم کلینی - با روایات راویان ضعیف چگونه بوده است؟ آیا روایات این دسته از راویان یکسره نفی می‌گردید یا در این زمینه تفصیلی وجود داشته است؟

در تحلیل سیره متقدمان به اعتبارسنجی قرینه‌محور آن‌ها و تکیه ایشان بر قرائن داخلی و خارجی اشاره کردیم و اینکه آن‌ها معیار حجیت را تحصیل اطمینان به صدق و صدور روایات می‌دانسته‌اند و اعتبار یک روایت را به طور کامل به سند و حال راویان آن گره نمی‌زده‌اند. شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد قدما در مواجهه با راویان ضعیف و متهم نه روایات آن‌ها را به طور کلی می‌پذیرفته‌اند و نه آن‌ها را یکسره نفی و طرد می‌کرده‌اند، بلکه به بررسی روایات ضعفا پرداخته و تنها آنچه را که با تکیه بر قرائنی که ذکرشان گذشت، قابل استناد به معصومان (ع) نمی‌دانسته‌اند، جدا می‌کرده‌اند. به عبارت دقیق‌تر، آنچه از مجموعه احادیث ضعفا، قابل اعتماد و استناد نبوده، تنها احادیثی است که درون‌مایه آن‌ها تنها از طریق آن راوی ضعیف به معصوم (ع) نسبت داده شده و قرینه و گواه دیگری بر صدق آن وجود نداشته یا آنکه برعکس، بر عدم صدورش، دلیل وجود داشته است.

شیخ طوسی در کتاب اصولی خود به هنگام بحث از اقسام خبر واحد، رویکرد اصحاب امامیه درباره اعتبار اخبار این گروه از راویان را این‌گونه گزارش کرده است:

«و كذلك القول فيما ترويه المتهمون و المضعفون، و إن كان هناك ما يعضد روايتهم و يدل على صحتها و جب العمل به، و إن لم يكن هناك ما يشهد لروايتهم بالصحة و جب التوقف في أخبارهم، و لأجل ذلك توقف المشايخ عن أخبار كثيرة هذه صورتها و لم يرووها و استثوها في فهارسهم من جملة ما يروونه من التصنيفات»
(العهده: ۱/۱۵۱).^{۹۶}

برای اثبات این ادعا - یعنی رد و قبول قرینه‌محور روایات ضعفاء و متهمان - غیر از کلام صریح شیخ، شواهد متعددی وجود دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

شواهد ادعا^{۹۷}

۱- پدیده استثناء

این پدیده که شاهد مهمی در اثبات مدعاست، اگرچه گاهی نسبت به روایات راویان ثقه هم به چشم می‌خورد (الفهرست: ۲۶۶)^{۹۸}، اما در بیش‌تر موارد نسبت به روایات راویان ضعیف یا متهم مطرح شده است و معنای آن استثنا کردن بخشی از احادیث راوی موردنظر در فرایند قبول و پذیرش

احادیث است. این شیوه حکایت از آن دارد که قداما طبق مبانی اعتبارسنجی خود - تکیه بر قرائن - روایات جمعی از راویان ضعیف را پذیرفته و تنها از پذیرفتن بخشی از آن‌ها که قرینه‌ای بر درستی آن‌ها در کار نبوده یا قرینه‌ای بر نادرستی آن‌ها وجود داشته، خودداری کرده‌اند. بعضی از موارد اعمال شیوه استثناء در گزارش‌های متقدمان عبارت‌اند از:

(۱) درباره محمد بن علی صیرفی معروف به ابوسمینه؛ در ذکر طریق به کتاب‌ها و روایت‌های این راوی معروف که در تمام منابع متقدم رجالی (ر.ک: رجال النجاشی: ۳۳۲) ۹۹، به‌عنوان غالی و ضعیف معرفی شده، آورده‌اند:

«محمد بن علی الصیرفی الکوفی، یکتی أبا سمینة، له كتب... أخبرنا جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن و محمد بن علي ماجيلويه، عن محمد بن أبي القاسم، عن محمد بن علي الصیرفی، إلا ما كان فيها من تخليط أو غلو أو تدليس أو ينفرد به و لا يعرف من غير طريقه». (الفهرست: ۴۱۲). ۱۰۰

(۲) درباره محمد بن سنان زاهری؛ در معرفی کتاب‌های این راوی هم که در اندیشه پیش‌تر رجالیان متقدم، ضعیف و غالی خوانده شده (ر.ک: رجال النجاشی: ۳۲۸) ۱۰۱، آمده است:

«له كتب، و قد طعن عليه، و ضعف، و كتبه مثل كتب الحسين بن سعيد على عددها، و له كتاب النوادر. و جميع ما رواه إلا ما كان فيه تخليط أو غلو، أخبرنا به جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله و الحميري و محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين و أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان» (الفهرست: ۴۰۶). ۱۰۲

(۳) درباره محمد بن حسن بن جمهور؛ در توصیف و ارزیابی این راوی نوشته‌اند:

«له كتب جماعة، منها: كتاب الملاحم، كتاب الواحدة، كتاب صاحب الزمان، و الرسالة المذهبة عن الرضا عليه السلام، و له كتاب وقت خروج القائم عليه السلام. أخبرنا برواياته كلها إلا ما كان فيها من غلو أو تخليط، جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن الحسين بن سعيد، عن محمد بن جمهور» (همان: ۴۱۳). ۱۰۳

(۴) درباره محمد بن اورمه؛ در معرفی این راوی هم به شیوه استثناء اشاره شده و آمده است:

«له كتب... و في رواياته تخليط، أخبرنا بجميعها إلا ما كان فيها من تخليط أو غلو، ابن أبي جيد، عن ابن الوليد، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد بن اورمة...» (همان: ۴۰۷). ۱۰۴

از مطالعه این موارد کاملاً پیداست که در اندیشه قدما، مجرد ضعف یا انحراف اعتقادی راوی، مجوز نفی و کنار نهادن همه احادیث او نمی‌شد.

۲- شیوه تأیید کتاب

بر پایه این شیوه، گاهی محدثان و رجالیان برجسته، با وجود تضعیف راوی یا متهم ساختن او به انحراف، به تمجید و تأیید کتاب و نگاشته‌های حدیثی او پرداخته‌اند و در مواردی هم بدون آنکه مدح و ذمی را متوجه راوی سازند، تنها به اعتبار کتاب او نظر داده‌اند، رفتاری که نشان‌دهنده موافقت مضامین و درون‌مایه‌های احادیث آن کتاب‌ها با قرائن اعتبارسنجی قدما است. بعضی از موارد ذکر این شیوه عبارت‌اند از:

- ۱) درباره ابراهیم بن اسحاق؛ در معرفی این راوی که ضعیف شمرده شده، آمده است: «إبراهیم بن إسحاق أبو إسحاق الأحمري النهاوندي، كان ضعيفا في حديثه، متهما في دينه، و صنف كتابا جماعة، قريبة من السداد، منها: كتاب الصيام، كتاب المتعة، كتاب الدواجن، كتاب جواهر الأسرار كبير، كتاب النوادر، كتاب الغيبة، كتاب مقتل الحسين بن علي عليهما السلام» (همان: ۱۶).^{۱۰۰}
- ۲) درباره علی بن محمد بن شیره؛ در توصیف این راوی نوشته‌اند: «كان فقيهاً كثيراً من الحديث فاضلاً، غمز عليه أحمد بن محمد بن عيسى، و ذكر أنه سمع منه مذاهب منكورة و ليس في كتبه ما يدل على ذلك. له كتاب التأديب، و هو كتاب الصلاة، و هو يوافق كتاب ابن خنبة، و فيه زيادات في الحج...» (رجال النجاشي: ۲۵۵).^{۱۰۶}
- ۳) درباره حفص بن غياث و طلحة بن زيد؛ این دو راوی، هر دو از اهل سنت معرفی شده و هیچ‌گونه توثیق یا مدحی برایشان گزارش نشده است، اما در معرفی کتاب‌هایشان آورده‌اند: «حفص بن غياث القاضي، عامي المذهب، له كتاب معتمد، أخبرنا به عدة من أصحابنا...» (همان: ۱۵۸)^{۱۰۷} [و] طلحة بن زيد، له كتاب، و هو عامي المذهب، إلا أن كتابه معتمد و أخبرنا [به] ابن أبي جيد...» (همان: ۲۵۶).^{۱۰۸}
- ۴) درباره عمار بن موسی ساباطی؛ درباره این راوی که از پیروان مذاهب انحرافی - مذهب فطحی - است، بدون اشاره به وثاقت و ضعف خودش، تنها با عبارت «له كتاب كبير جيد معتمد» کتاب‌اش را مورد تأیید و تصدیق قرار داده‌اند (همان: ۳۵۵).^{۱۰۹}

۳- شیوه نفی منفردات

شاهدی دیگر بر نحوه تعامل قدما با احادیث ضعفا، تأیید دسته‌ای از روایات ضعفا، هم‌زمان با نفی اعتبار دیگر روایات آن‌هاست. در این شیوه، آن دسته‌ای از احادیث ضعفا مورد تأیید قرار می‌گیرد که توسط دیگر راویان هم روایت شده باشد. برای مثال شیخ صدوق و استادش ابن ولید، نگاه مثبتی به شخصیت روایی محمد بن عیسی عبیدی ندارند و روایات او را از مجموعه روایات کتاب «نوادر الحکمة» محمد بن احمد یحیی اشعری استثنا کرده‌اند. این راوی یکی از شاگردان مهم یونس بن عبدالرحمن - صحابی معروف و جلیل‌القدر امام رضا (ع) - است و احادیث زیادی از یونس نقل نموده است. صدوق از استادش نقل می‌کند که:

«سمعت محمد بن الحسن بن الولید رحمه الله یقول: کتب یونس التي هي بالروایات كلها صحیحه یعتمد علیها إلا ما ینفرد به محمد بن عیسی بن عبید و لم یروه غیره، فإنه لا یعتمد علیه و لا یفتی به» (الفهرست: ۵۱۲).^{۱۱۰}

درنگ در این عبارت نشان‌دهنده آن است که گستره رد روایات محمد بن عیسی تنها محدود به منفردات اوست، یعنی روایاتی که منحصرأ به واسطه محمد بن عیسی به یونس نسبت داده شده است، اما در صورتی که روایات عبیدی از طریق دیگر شاگردان یونس هم گزارش شده باشند، مورد تأیید قرار گرفته و نقل می‌شوند، همچنان‌که در آثار روایی موجود شیخ صدوق، روایات زیادی از یونس به واسطه محمد بن عیسی عبیدی به چشم می‌خورد (ر.ک: عیون اخبار الرضا: ۱/ ۲۹ - ۳۰).^{۱۱۱} غیر از نمونه محمد بن عیسی، نمونه‌های دیگری هم از اعمال این شیوه در سیره قدما به چشم می‌خورد. ابن غضائری درباره‌ی احمد بن سهل دیباجی می‌نویسد:

«سهل بن أحمد بن عبد الله بن أحمد بن سهل، الدیباجی، أبو محمد، كان ضعيفاً، یضع الأحادیث، و یروي عن المجاهیل، و لا بأس بما رواه من «الأشعثیات» و بما یجری مجراها، ممّا رواه غیره» (رجال ابن الغضائری: ۶۷).^{۱۱۲} یا نجاشی در گزارش رویکرد ابن ولید درباره محمد بن ارومه می‌نویسد:

«محمد بن أورمة، طعن علیه بالغلو، و کل ما کان فی کتبه مما وجد فی کتب الحسین بن سعید و غیره فقل به، و ما نفرد به فلا تعتمده...» (رجال النجاشی: ۳۲۹).^{۱۱۳}

بی‌شک عمل به این شیوه‌ها از سوی متقدمان، شاهد استواری بر بی‌اعتنایی آن‌ها به شیوه اعتبارسنجی راوی‌محور و متوقف ساختن اعتبارسنجی احادیث بر صحت سند و وثاقت تمام راویان

آن بوده و نشان‌دهنده رواج اعتبارسنجی قرینه‌محور در آن دوره می‌باشد که خروجی آن اعتبار یافتن بخشی از احادیث و میراث روایی راویان ضعیف و متهم است.

نگاهی دیگر به کتاب کافی و عملکرد شیخ کلینی

در پرتوی آنچه درباره مبانی اعتبارسنجی قرینه‌محور و نحوه مواجهه قدما با احادیث ضعیفا بیان شد، باید نگاهی دیگر به جایگاه، ویژگی‌ها و شیوه کاری کتاب شریف کافی داشته باشیم تا بتوانیم با دقت بیش‌تری مبنای اکثر مرحوم کلینی از روایانی مانند سهل بن زیاد را بررسی کنیم. مطابق آنچه مؤلف کافی در مقدمه کتاب خود آورده، انگیزه تألیف این کتاب بزرگ، پاسخ‌گویی به مطالبه‌ای فرهنگی است که از سوی یکی از برادران ایمانی ابراز شده است. شیوع دین‌داری بدون علم و مواجهه با احادیث مختلف و متعارض، زمینه طرح این مطالبه را فراهم آورده است:

«أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ فَهَمْتُ يَا أَحْيِي مَا سَكَّوْتَ مِنْ اضْطِلَاحِ أَهْلِ دَهْرِنَا عَلَى الْجَهَالَةِ، وَ تَوَازُرِهِمْ وَ سَعْيِهِمْ فِي عِمَارَةِ طُرُقِهَا، وَ مُبَايَنَتِهِمُ الْعِلْمَ وَ أَهْلَهُ، حَتَّى كَادَ الْعِلْمُ مَعَهُمْ أَنْ يَأْرَزَ كُلُّهُ، وَ تَنْقَطَعَ مَوَادُّهُ؛ لِمَا قَدْ رَضُوا أَنْ يَسْتَدُوا إِلَى الْجَهْلِ، وَ يُضَيِّعُوا الْعِلْمَ وَ أَهْلَهُ. وَ سَأَلْتُ: هَلْ يَسَعُ النَّاسُ الْمَقَامَ عَلَى الْجَهَالَةِ، وَ التَّدْيُنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (الكافی: ۱/۹-۱۴) ... وَ ذَكَرْتُ أَنَّ أُمُورًا قَدْ أَشْكَلَتْ عَلَيْكَ، لَا تَعْرِفُ حَقَائِقَهَا؛ لِاخْتِلَافِ الرَّوَايَةِ فِيهَا... وَ أَنْتَ لَا تَجِدُ بِحَضْرَتِكَ مَنْ تَدَاكِرُهُ وَ تَفَاوِضُهُ مِمَّنْ تَثِقُ بِعِلْمِهِ فِيهَا» (همان: ۱۶).^{۱۱۰}

بنا به گزارش کلینی، مطالبه‌کننده - که پیداست خود از عالمان دینی می‌باشد- راه‌حل مشکلات مذکور را تألیف کتابی می‌داند که سه خصوصیت مهم «جامعیت نسبت به همه معارف دینی»، «مرجعیت عملی برای همه طبقات مؤمنان» و «گرد آمدن از احادیث صحیح معصومان (ع)» را در خود جای داده باشد:

«وَ قُلْتُ: إِنَّكَ تَحِبُّ أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ كِتَابٌ كَافٍ يُجَمَعُ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ فُنُونِ عِلْمِ الدِّينِ، مَا يَكْتَفِي بِهِ الْمُتَعَلِّمُ، وَ يَرْجِعُ إِلَيْهِ الْمُسْتَشِيرُ، وَ يَأْخُذُ مِنْهُ مَنْ يُرِيدُ عِلْمَ الدِّينِ وَ الْعَمَلَ بِهِ بِالْأَثَارِ الصَّحِيحَةِ عَنِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ السُّنَنِ الْقَائِمَةِ الَّتِي عَلَيْهَا الْعَمَلُ، وَ بِهَا يُؤَدَّى فَرَضُ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ سُنَّةُ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. وَ قُلْتُ: لَوْ كَانَ ذَلِكَ، رَجَوْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا يَتَدَارَكُ اللَّهُ تَعَالَى بِمَعُونَتِهِ وَ تَوْفِيقِهِ إِخْوَانَنَا وَ أَهْلَ مِلَّتِنَا، وَ يُقْبَلُ بِهِمْ إِلَى مَرَاشِدِهِمْ» (همان).^{۱۱۱}

مؤلف کافی به مطالبه برادر ایمانی خود پاسخ مثبت داده و از تحقق راهکار پیشنهادی او خبر می‌دهد. کلینی اظهار امیدواری کرده تا کتاب تدوین شده همان‌گونه باشد که درخواست شده است:

«وَقَدْ يَسَّرَ اللَّهُ - وَ لَهُ الْحَمْدُ - تَأْلِيفَ مَا سَأَلْتُ، وَ أَرْجُو أَنْ يَكُونَ بِحَيْثُ تَوَخَّيْتُ، فَمَهْمَا كَانَ فِيهِ مِنْ تَقْصِيرٍ فَلَمْ تُقْصِرْ يَسْتَنَّا فِي إِهْدَاءِ النَّصِيحَةِ؛ إِذْ كَانَتْ وَاجِبَةً لِإِخْوَانِنَا وَ أَهْلِ مِلَّتِنَا، مَعَ مَا رَجَوْنَا أَنْ نَكُونَ مُشَارِكِينَ لِكُلِّ مَنْ اقْتَبَسَ مِنْهُ، وَ عَمِلَ بِمَا فِيهِ فِي دَهْرِنَا هَذَا، وَ فِي غَايِرِهِ إِلَى انْقِضَاءِ الدُّنْيَا» (همان: ۱۷-۱۸).^{۱۱۷}

یک مسأله مهم در مقدمه کافی، تبیین تعبیر «الأثار الصحيحة عن الصادقين عليهم السلام» است. درخواست‌کننده یکی از خصوصیات راهکار پیشنهادی خود را، گرد آمدن کتاب از آثار صحیح‌ه معرفتی نموده و کلینی نیز تألیف کتابی با خصوصیت مذکور را به وی نوید می‌دهد. اینکه مراد از آثار صحیح‌ه چیست و از چه گستره‌ای برخوردار می‌باشد، مدت‌هاست که مورد بحث گروهی از عالمان دینی قرار گرفته است.

در حالی که عده‌ای در ظهور مقدمه کلینی در صحت جمع روایات کافی از دیدگاه مؤلف آن، مناقشه کرده و معتقدند که کلینی تنها از اشمال کتاب‌اش بر اخبار صحیح خبر داده است (معجم رجال الحديث: ۸۲/۱)^{۱۱۸}، بسیاری از محققان بر ظهور مقدمه کلینی در صحت همه احادیث کافی تأکید کرده‌اند (مستدرک الوسائل: ۴۶۹/۲۱).^{۱۱۹} به نظر اینان علاوه بر تحلیل نحوی کلام، حل مشکلات و معضلاتی که آن برادر ایمانی طرح نموده و خصوصیات که برای کتاب مطلوب‌اش ذکر کرده، تنها با صحت تمام محتوای کافی تناسب دارد و صحت بخشی از کافی نمی‌تواند پاسخ‌گوی اشکالات او در مواجهه با احادیث مختلف و دین‌داری بدون علم باشد.^{۱۲۰}

بر پایه چنین استظهاری باید گفت که مرحوم کلینی در مقدمه کافی از التزام و تعهد خود نسبت به نقل احادیث صحیح خبر داده است.^{۱۲۱}

آنچه اکنون اهمیت دارد، پی بردن به معنای حدیث صحیح در کلام کلینی و مبانی و شیوه‌های او در احراز صحت احادیث است، اما با توجه به بحث‌هایی که درباره مبانی و شیوه‌های اعتبارسنجی و گزینش متقدمان بیان کردیم، نباید ابهام زیادی در دو مسأله باقی مانده باشد. کلینی از متقدمان امامیه است و دلیلی بر مغایرت مبانی او در گزینش و نقل احادیث با دیگر بزرگان متقدم در دست نیست، از این رو وقتی وی در مقدمه کافی از التزام خود به نقل روایات صحیح سخن می‌گوید، معنایی جز تعهد به ذکر احادیثی که بر پایه قرائن داخلی و خارجی، نسبت به صدورشان از امامان (ع) وثوق و اطمینان حاصل شده باشد، اراده نکرده است، احادیثی که ممکن است در اسناد برخی از آن‌ها، اشکالاتی مانند ارسال و ضعف راه یافته باشد، اما هیچ‌کدام از این عیوب، خدشه‌ای به التزام مرحوم کلینی به نقل احادیث صحیح وارد نمی‌سازد.

بازگشت به مبنای اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

حال اگر بعد از این توضیحات به بحث خود درباره مبنای اکثر کلینی از سهل بازگردیم و تحلیل مذکور درباره سیره قدمای امامیه از جمله مؤلف کافی درباره مبنای و شیوه‌های احراز اعتبار احادیث را قبول کنیم، واضح می‌گردد که مرحوم کلینی می‌تواند با وجود عدم اعتقاد به وثاقت مطلق سهل بن زیاد رازی، با تکیه بر قرائن اعتبارسنجی قدمایی، اعتبار دسته‌ای از روایات سهل را احراز کرده و تنها مواردی را که با مبنای کلامی و حدیثی امامیه سازگار نبوده، طرد کند.

در چارچوب این مبنا، اعتماد آیت‌الله خامنه‌ای به روایات سهل بن زیاد در کتاب کافی - همان‌طور که قبلاً بیان شد - به اعتماد معظم‌له به مقام علمی و عملی کلینی در اعمال قرائن و انتخاب به‌جای روایات معتبر سهل بازمی‌گردد:

«اگر به روایات سهل در کافی اعتماد می‌کنیم، به‌خاطر عظمت کلینی است ... کلینی که خودش خریط فن حدیث می‌باشد ... او صراف و نقاد این کار است، تشخیص می‌دهد که این روایت درست است، از این رو آن‌ها را نقل می‌کند ... ایشان در بین روایات سهل بن زیاد آنچه را مورد اعتماد بوده، انتخاب کرده است».^{۱۲۲}

نتیجه‌گیری

آن‌طور که بیان کردیم، سهل بن زیاد رازی با وجود نقش پُررنگی که در تراث روایی امامیه دارد، از جهت شخصیت روایی همواره مورد اختلاف نظر دانشوران ما بوده است. با آنکه وجه غالب آرای متقدمان تضعیف این راوی می‌باشد، اما در دوره متأخر شاهد تلاشی پیوسته برای اثبات وثاقت او و اعتباربخشی به احادیث فراوان وی هستیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از معدود فقیهانی است که بر پایه نظریه‌ای که از سوی یکی از محققان برجسته معاصر مطرح شده است، در درس‌های فقهی خود به دفاع از اعتبار احادیث سهل در کتاب ارزشمند کافی پرداخته‌اند. معظم‌له معتقدند که با توجه به صراحت و تعداد تضعیفات صادره از قداما، دفاع از وثاقت مطلق سهل دشوار می‌باشد، اما از سوی دیگر، اعتنای کم‌نظیر محدث بزرگی مانند مرحوم کلینی به نقل پُرشمار احادیث این راوی، آن‌هم در کتابی چون: کافی که برای مراجعه همه طبقات مؤمنان در تعلیم معارف و احکام دینی به رشته تحریر درآمده است، نظریه اعتبار روایات سهل در خصوص کتاب کافی را تقویت می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای بنیان اصلی دیدگاه خود را اعتماد به مرحوم کلینی معرفی نموده‌اند. در تبیین منطق اعتماد معظم‌له به کلینی، باید ابتدا مبنای اکثر مؤلف کافی از سهل را روشن کنیم و سپس آن مبنا را بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تطبیق دهیم.

در تبیین مبنای اکثر مرحوم کلینی به دو مبنای مختلف اشاره کردیم (که هر دو در کلمات معظم له مطرح شده‌اند). مبنای نخست ریشه اکثر کلینی را در اعتقاد او به وثاقت سهل جست‌وجو می‌نمود و مبنای دوم در مشی مؤلف کافی مطابق شیوه اعتبارسنجی قرینه‌محور متقدمان. در این مقاله تبیین شد که اعتماد آیت‌الله خامنه‌ای به روایات سهل در کافی، و بنابر مبنای نخست (وثاقت سهل نزد کلینی)، در واقع به ترجیح توثیق کلینی از سوی ایشان بازمی‌گردد (ولو آنکه احتیاطاً اعتبار همه احادیث سهل را نپذیرفته و آن را به موارد منقول در کافی محدود کرده‌اند)، و بنابر مبنای دوم (گزینش قرینه‌محور احادیث ضعفا و متهمان)، اعتماد معظم له به کلینی در باور به مقام برجسته کلینی در گزینش درست روایات معتبر سهل برای کتاب سترگی مانند کافی ریشه خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. نهاية الدراية، ص ۸۵.
۲. پیشین.
۳. پیشین، ص ۲۰۲.
۴. اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۸۶ و ۸۸.
۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۷، و رجال الطوسی، ص ۳۷۵، ۳۸۷ و ۳۹۹.
۶. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۰۳، و ج ۷، ص ۴۵. این دو مکاتبه به ترتیب عبارت‌اند از:

(۱) «سهل قال کتبتُ إلى أبي محمد ع سنة خمس و خمسين و مائتين قد اختلفت يا سيدي أصحابنا في التوحيد منهم من يقول هو جسم و منهم من يقول هو صورة فإن رأيت يا سيدي أن تعلمني من ذلك ما أفق عليه و لا أجوزه فعلت متطولا على عبدك فوقع بخطه ع سألت عن التوحيد و هذا عنكم مغزول الله و احد أحد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا أحد خالق و ليس بمخلوق يخلق تبارك و تعالى ما يشاء من الأجسام و غير ذلك و ليس بجسم و يصور ما يشاء و ليس بصورة جل ثناؤه و تقدست أسماؤه أن يكون له شبه هو لا غيره ليس كمثله شيء و هو السميع البصير».

(۲) «عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد قال كُتِبْتُ إلى أبي محمد ع رجل كان له ابنان فمات أحدهما و له وُلد ذكور و إناث فأوصى لهم جدتهم بسهم أبيهم فهذا السهم الذكور و الأنثى فيه سواء أم للذكر مثل حظ الأنثيين فوقع ع ينفذون وصية جدتهم كما أمر إن شاء الله قال و كُتِبْتُ إليه رجل له وُلد ذكور و إناث فأقر لهم بصنعة أنها لولدهم و لم يذكر أنها بينهم على سهام الله عز و جل و قرأ نصيبه الذكور و الأنثى فيه سواء فوقع ع ينفذون فيها وصية أبيهم على ما سمى فإن لم يكن سمى شيئا زدوها إلى كتاب الله عز و جل و سنة نبيه ص إن شاء الله».
۷. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۰.
۸. کشی، ابن غضائری، نجاشی و شیخ طوسی این راوی را به غلو متهم کرده‌اند. نجاشی و ابن غضائری او را از کسانی می‌دانند که ابتدا به مذهب واقفیان گروید و سپس غالی شد. ابن غضائری با جمله «ضعیف لا يلتفت إليه و لا إلى مصنفاته و سائر ما ينسب إليه» بر بی‌اعتباری روایات او تأکید دارد. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۲۲؛ و رجال ابن الغضائری، ص ۹۵؛ و رجال النجاشی، ص ۳۳۵؛ و رجال الشيخ الطوسی، ص ۴۰۲.
۹. رجال العلامة المحلي، ص ۲۷۲.
۱۰. در علم رجال درباره مراد از محمد بن الحسن که جزو عدّه مرحوم کلینی قرار دارد و گاهی نیز سند به نام او ابتدا شده است، بحث‌هایی وجود دارد. عده ای مراد از این فرد را محمد بن الحسن الصفار القمی (ثقه‌ی معروف) می‌دانند، اما مرحوم محقق

بروجردی در مقدمه ترتیب اسانید الکافی اشتباه بودن این نظر را تبیین و ثابت کرده است که مراد از این فرد، محمد بن الحسن الطائنی الرازی می‌باشد.

۱۱. البته مرحوم کلینی گاهی روایات سهل را بدون به‌کارگیری تعبیر «عدة من اصحابنا» و تنها به‌واسطه برخی افراد عده یعنی علی بن محمد، یا محمد بن الحسن، یا محمد بن جعفر اسدی نقل کرده است، یعنی سند را به‌نام آن‌ها ابتدا نموده است. گفتنی است که حداقل دو تن از این راویان - علان و اسدی - به‌تصریح نجاشی از ثقات هستند.

۱۲. ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۱۹-۲۲۲.

۱۳. رجال النجاشی، ص ۳۰۶.

۱۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۷.

۱۵. رجال النجاشی، ص ۸۱، و الفهرست، ص ۶۰.

۱۶. رجال النجاشی، ص ۱۸۵.

۱۷. رجال ابن الغضائری، ص ۶۶.

۱۸. نجاشی در معرفی این کتاب می‌نویسد: «لمحمد بن أحمد بن يحيى كتب، منها: كتاب نوادر الحكمة، و هو كتاب حسن كبير، يعرفه القميون بدبة شبيب، قال: و شبيب فامي كان بقم له دبة ذات بيوت، يعطي منها ما يطلب منه من دهن، فشيها هذا الكتاب بذلك». ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۱۹. رجال النجاشی، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۲۰. الفهرست، ص ۴۰۸.

۲۱. «كان محمد بن الحسن بن الوليد يستثني من رواية محمد بن أحمد بن يحيى ما رواه عن محمد بن موسى الهمداني، أو ما رواه عن رجل، أو يقول بعض أصحابنا، أو عن محمد بن يحيى المعاذي، أو عن أبي عبد الله الرازي الجاموراني، أو عن أبي عبد الله السيارى، أو عن يوسف بن السخت، أو عن وهب بن منبه، أو عن أبي علي النيشابوري (النيسابوري)، أو عن أبي يحيى الواسطي، أو عن محمد بن علي أبي سمينه، أو يقول في حديث، أو كتاب و لم أروه، أو عن سهل بن زياد الأدمي، أو عن محمد بن عيسى بن عبيد ياسناد منقطع، أو عن أحمد بن هلال، أو محمد بن علي الهمداني، أو عبد الله بن محمد الشامي، أو عبد الله بن أحمد الرازي، أو أحمد بن الحسين بن سعيد، أو أحمد بن بشير الرقي أو عن محمد بن هارون، أو عن ممويه بن معروف، أو عن محمد بن عبد الله بن مهران، أو ما ينفرد (يتفرد) به الحسن بن الحسين اللؤلؤي و ما يرويه عن جعفر بن محمد بن مالك، أو يوسف بن الحارث، أو عبد الله بن محمد الدمشقي». ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۴۸-۳۴۹.

۲۲. الفهرست، ص ۴۰۸.

۲۳. رجال ابن الغضائری، ص ۶۶.

۲۴. رجال النجاشی، ص ۱۸۵.

۲۵. «سهل بن زياد الأدمي، يكنى أبا سعيد، ثقة، رازي». ر.ک: رجال الطوسي، ص ۳۸۷.

۲۶. الفهرست، ص ۲۲۸.

۲۷. الإستبصار، ج ۳، ص ۲۶۱.

۲۸. استقصاء الاعتبار، ج ۱، ص ۳۴۶.

۲۹. رجال العلامة الحلبي، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۳۰. منهج المقال، ج ۶، ص ۱۳۲.

۳۱. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۹۳.

۳۲. معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۳۵۴.

۳۳. منهج المقال، ج ۶، ص ۱۲۵ (تعلیقة الوحید).
۳۴. رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)، ج ۳، ص ۲۱.
۳۵. عدة الرجال، ج ۱، ص ۴۴۶.
۳۶. مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۱۳ تا ۲۴۹.
۳۷. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۶۰.
۳۸. روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۲۶۲.
۳۹. رجال العلامة الحلی، ص ۴۳۰.
۴۰. منهج المقال؛ ج ۶؛ ص ۱۲۵ (تعلیقة الوحید).
۴۱. رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)؛ ج ۳؛ ص ۲۱.
۴۲. عدة الرجال، ج ۱، ص ۴۴۶.
۴۳. تنقیح المقال، ج ۳۴، ص ۱۸۹.
۴۴. الفوائد الرجالية (کجوری شیرازی)، ص ۱۴۳.
۴۵. مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۲۲.
۴۶. کتاب الطهارة للإمام الخميني؛ ج ۱؛ ص ۲۵۸.
۴۷. منهج المقال؛ ج ۶؛ ص ۱۲۵ (تعلیقة الوحید).
۴۸. رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)؛ ج ۳؛ ص ۲۱.
۴۹. مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۱۹-۲۲۲.
۵۰. منهج المقال؛ ج ۶؛ ص ۱۲۸ (تعلیقة الوحید).
۵۱. پیشین؛ ص ۱۲۵ (تعلیقة الوحید)؛ و رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)؛ ج ۳؛ ص ۲۱.
۵۲. رجال الطوسی، ص ۳۸۷: «سهل بن زیاد الأدمي، یکنی أبا سعید، ثقة، رازی».
۵۳. روضة المتقين؛ ج ۱۴؛ ص ۲۶۲.
۵۴. مانند این استدلال‌ها درباره دیدگاه شیخ مفید و شیخ طوسی را می‌توان در عدة الرجال سیدکاظمی (ج ۱؛ ص ۴۴۶) هم مشاهده کرد: «و ربما اتفق للشيخين و الصدوق محاولة ردّ بعض الأخبار بكلّ وجه من سند و غيره، و لم يتعرضوا له، مع أنه في الطريق، فلو كان سهل محلّ ريبة، و هم يتعلّقون في ردّه بكلّ رطب و يابس، لردّوه من جهة الراوي».
۵۵. ر.ک: الفوائد الرجالية (کجوری شیرازی)؛ ص ۱۴۳؛ و مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۱۶ به بعد.
۵۶. مانند وحید بهبهانی در منهج المقال؛ ج ۶؛ ص ۱۲۸ (تعلیقة الوحید)؛ بحر العلوم در رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)؛ ج ۳؛ ص ۲۱؛ و کجوری شیرازی در الفوائد الرجالية؛ ص ۱۴۴؛ و محدث نوری در مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۲۳۰.
۵۷. رجال ابن الغضائری، ص ۳۹.
۵۸. رجال النجاشی، ص ۸۲.
۵۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۸۷.
۶۰. الفوائد الرجالية (کجوری شیرازی)؛ ص ۱۴۴.
۶۱. ر.ک: ثلاث رسائل فی الجهاد ص ۲۵۰ و ۲۵۱.
۶۲. ر.ک: جزوات دروس قصاص، جلسات: ۱۱، ۱۷، ۲۳، ۳۳، ۱۱۵، ۲۰۷ و ۲۵۹.
۶۳. ر.ک: جزوات دروس مکاسب محرمة، جلسات: ۹۵، ۱۶۳، ۴۱۰، ۵۲۹ و ۵۷۱.
۶۴. ر.ک: جزوات دروس صلاة مسافر، جلسات: ۶ و ۳۲۹.
۶۵. ثلاث رسائل فی الجهاد ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

٦٦. دروس قصاص، جلسه ١١. مشابه این بیان را در دروس قصاص جلسه ١٧ هم مطرح فرموده‌اند.
٦٧. ر.ک: قاموس الرجال؛ ج ٥؛ ص ٣٦٢: «و كيف كان: فظاهر الكليني الاعتماد عليه، فيروي كثيرا عن عدة عنه، كما عن أحمد الأشعري و أحمد البرقي؛ و قلما يوجد في رواياته شذوذ، كما يوجد في كثير من روايات عمّار الساباطي. فان قيل: إنّ كثرة رواية الكافي عنه لا للاعتماد عليه، بل لكونه شيخ إجازة لكتب كانت معروفة و نسبتها إلى مصنفها مقطوعة. قلت: ينفي ذلك استثناء ابن الوليد و ابن بابويه من أخبار كتب محمد بن أحمد بن يحيى ما كان طريقه سهلا هذا. و لعلّ توثيق الشيخ له في الرجال من اعتماد الكليني عليه. لكن يمكن أن يقال: إنّ الكليني اختار من رواياته، كما اختار من روايات عمّار؛ فالعمل مجمل. لكن حيث توثق الكافي جمع الأخبار الصحيحة، فأخبار سهل فيه معتبرة».
٦٨. دروس قصاص، جلسه ١٧.
٦٩. پیشین، جلسه ٢٠٧.
٧٠. پیشین، جلسه ١١٥.
٧١. درباره این مطلب که در واقع مبنای اکتار (نقل فراوان) کلینی از سهل است، در کلمات معظم له اختلافی به چشم می‌آید که به‌زودی به آن اشاره می‌کنیم.
٧٢. رجال النجاشی، ص ٣٧٧.
٧٣. تصحیح اعتقادات الامامية، ص ٧٠.
٧٤. دروس مکاسب محرمة، جلسه ٩٥. مشابه این بیان در جلسه ششم دروس صلاة مسافر هم ایراد شده است: «ما سهل بن زیاد را که توثیق نشده، بلکه حتی طعن هم شده است، چون کلینی رضوان الله علیه تعداد زیادی روایت به واسطه از [او] نقل می‌کند، ما روایت سهل بن زیاد را قبول می‌کنیم، حداقل آنهایی که در کافی هست را قبول می‌کنیم چون می‌دانیم کلینی در امر دین، در امر شریعت قریب هزار روایت از کسی که به او اطمینان نداشته باشد، نقل نمی‌کند».
٧٥. دروس قصاص، جلسه ٢٠٧.
٧٦. الفهرست، ص ٤٠٢، و الاستبصار، ج ٣، ص ١٥٦.
٧٧. رجال النجاشی، ص ٣٣٤: «و رأيت اصحابنا ينكرون هذا القول ويقولون من مثل ابى جعفر محمد بن عيسى!».
٧٨. دروس مکاسب محرمة، جلسه ٩٥.
٧٩. پیشین، جلسه ٤١٠.
٨٠. دروس قصاص، جلسه ١٧.
٨١. مقباس الهداية، ص ١٢٣.
٨٢. پیشین، ص ١٤٦.
٨٣. مصباح الأصول، ج ١، ص ٢٣٤: «فتحصل مما ذكرناه في المقام ان العمدة في حجية الخبر هي السيرة... و لا يخفى ان مقتضى السيرة حجية الصحيحة و الحسنة و الموثقة، فانها قائمة على العمل بهذه الأقسام الثلاثة، فإذا بلغ أمر المولى إلى عبده بنقل عادل، أو بنقل إمامي ممدوح لم يظهر فسقه و لا عدالته، أو بنقل ثقة غير إمامي، لا يكون العبد معذورا في مخالفة أمر المولى في نظر العقلاء. نعم الخبر الضعيف خارج عن موضوع الحجية، لأن العقلاء لا يعملون به يقينا».
٨٤. گزیده کافی، مقدمه، ص ٢١.
٨٥. مشرق الشمسین، ص ٢٤.
٨٦. منتقى الجمال، ص ١٤.
٨٧. الوافی، ج ١، ص ٢٢.
٨٨. ملاذ الخیار، ج ١، ص ٢٢ و ٢٣.
٨٩. الحدائق الناضرة، ج ١، ص ١٥.

۹۰. منتقی الجمان، ص ۱۴.
۹۱. اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۸۶ و ۸۸.
۹۲. قرائن مذکور در کلام شیخ طوسی پیش از او در کلمات بزرگان دیگری چون: کلینی، صدوق و مفید نیز به‌گونه‌ای مطرح شده و آن‌ها هم در تشخیص احادیث صحیح به آن قرائن توجه داشته‌اند. می‌توان به مقدمه کافی، کتاب من لایحضره الفقیه و التذکرة فی اصول الفقه مراجعه کرد.
۹۳. الاستبصار، ج ۱، ص ۳ و ۴.
۹۴. العدة، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۷: «أن خیر الواحد إذا کان واردا من طریق أصحابنا القائلین بالإمامة، و کان ذلك مرویا عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم أو عن واحد من الأئمة علیهم السلام، و کان ممن لا یطعن فی روايته، و یكون سدیداً فی نقله، و لم تكن هناك قرینة تدل علی صحة ما تضمنه الخبر، لأنه إن كانت هناك قرینة تدل علی صحة ذلك، کان الاعتبار بالقرینة، و کان ذلك موجبا للعلم... جاز العمل به. و الذی يدل علی ذلك: إجماع الفرقة المحقة، فإنی وجدتها مجمعة علی العمل بهذه الأخبار التي رووها فی تصانیفهم و دونها فی أصولهم، لا یتناكرون ذلك و لا یتدافعونه، حتی أن واحدا منهم إذا أفتی بشيء لا یعرفونه سألوه من أين قلت هذا؟ فإذا أحالهم علی کتاب معروف، أو أصل مشهور، و کان راویه ثقة لا ینکر حدیثه، سکتوا و سلموا الأمر فی ذلك و قبلوا قوله، و هذه عادتهم و سجتهم».
۹۵. الوافی، ج ۱، ص ۲۲، و مشرق الشمسین، ص ۳۵ و ۳۶: «المتعارف بینهم إطلاق الصحیح علی کل حدیث اعتضد بما یقتضی اعتمادهم علیه، أو اقترن بما یوجب الوثوق به و الزکون الیه، و ذلك أمور: منها: وجوده فی کثیر من الأصول الأربعمائة التي نقلوها عن مشایخهم بطرقهم المتصلة بأصحاب العصمة سلام الله علیهم، و كانت متداولة لديهم فی تلك الأعصار، مشتهرة فیما بینهم اشتها الشمس فی رابعة النهار. و منها: تکرره فی أصل أو أصلین منها فصاعدا بطرق مختلفة و أسانید عديدة معتبرة. و منها: وجوده فی أصل معروف الانتساب الی أحد الجماعة الذین أجمعوا علی تصدیقهم، کزرارة، و محمد بن مسلم، و الفضیل بن یسار، أو علی تصحیح ما یصح عنهم، کصفوان بن یحیی، و یونس بن عبد الرحمن، و أحمد بن محمد بن أبي نصر، أو علی العمل بروایتهم، کعمارة الساباطی و نظرائه، ممن عدّهم شیخ الطائفة فی کتاب العدة، كما نقله عنه المحقق فی بحث التراویح من المعتمر. و منها: اندراجها فی أحد الكتب التي عرضت علی أحد الأئمة سلام الله علیهم، فاثنوا علی مؤلفها، ککتاب عبید الله الحلبي الذی عرض علی الصادق علیه السلام، و کتابی یونس بن عبد الرحمن، و الفضل بن شاذان المعروفین علی العسكري. و منها أخذها عن أحد الكتب التي شاع بین سلفهم الوثوق بها و الاعتماد علیها، سواء کان مؤلفها من الفرقة الناجية الإمامية، ککتاب الصلاة لحریز بن عبد الله السجستاني، و کتب بنی سعید، و علي بن مهزیار، أو من غیر الإمامية، ککتاب حفص بن غیاث القاضي، و الحسين بن عبید الله السعدي، و کتاب القبلة لعلی بن الحسن الطاطري».
۹۶. العدة، ج ۱، ص ۱۵۱.
۹۷. برای مطالعه تفصیلی ر.ک: اعتبارسنجی احادیث شیعه، فصل‌های ۳، ۱۲ و ۱۵.
۹۸. برای مثال، علی بن ابراهیم قمی در شمار روایان ثقه، جلیل القدر و پُرکار قرار دارد. شیخ طوسی پس از معرفی کتب او و به هنگام ذکر طریق به آثار او می‌نویسد: «و أخبرنا محمد بن محمد بن النعمان، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن و حمزة بن محمد العلوي و محمد بن علي ماجيلويه، عن علي بن إبراهيم، إلا حدیثا واحدا استثناه من کتاب الشرائع فی تحریم لحم العیر، و قال: لا أرویه». ر.ک: الفهرست، ص ۲۶۶.
۹۹. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۳۲، و اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۵۴۶.
۱۰۰. الفهرست، ص ۴۱۲.
۱۰۱. ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۲۸، و رجال ابن الغضائری، ص ۹۲.
۱۰۲. الفهرست، ص ۴۰۶.

۱۰۳. پیشین، ص ۴۱۳.
۱۰۴. پیشین، ص ۴۰۷.
۱۰۵. پیشین، ص ۱۶.
۱۰۶. رجال النجاشی، ص ۲۵۵.
۱۰۷. پیشین، ص ۱۵۸.
۱۰۸. پیشین، ص ۲۵۶.
۱۰۹. پیشین، ص ۳۵۵.
۱۱۰. الفهرست، ص ۵۱۲.
۱۱۱. به عنوان نمونه ر.ک: عیون اخبار الرضا، ج ۱، ۲۹ و ۳۰، کمال الدین، ج ۲، ص ۲۰۳ و ۲۲۴.
۱۱۲. رجال ابن الغضائری، ص ۶۷.
۱۱۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۹.
۱۱۴. الکافی، ج ۱، ص ۹-۱۴.
۱۱۵. پیشین، ص ۱۶.
۱۱۶. پیشین.
۱۱۷. پیشین، ص ۱۷-۱۸.
۱۱۸. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۸۲، و الموسوعة الرجالية (ترتیب اسانید کتاب الکافی)، ج ۱، ص ۱۷.
۱۱۹. مستدرک الوسائل، ج ۲۱، ص ۴۶۹، و بهجة الآمال، ج ۲، ص ۱۳۸، و مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۱، ص ۴۱، و أصول علم الرجال، ص ۳۸، و کلیات فی علم الرجال، ص ۴۷.
۱۲۰. أصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ج ۱، ص ۷۶: «إن عبارة الكليني واضحة الدلالة في المقصود، ولا إشكال في ظهورها في صحة جميع الروايات. و بیان ذلك: ان قوله «بالآثار الصحيحة»، إما أن يكون متعلقاً بقوله «يجمع»، فيكون مفادها أن الجمع لا يكون إلا بالآثار الصحيحة، فلا يقال للمشمول على الآثار الصحيحة وغيرها أنه يجمع بالآثار الصحيحة، و أمّا أن يكون متعلقاً بقوله «يريد» فيكون مفادها أن السائل يريد علم الدين بالآثار الصحيحة، فأجابه الكليني إلى ذلك، فكيف يشتمل على الآثار الصحيحة وغيرها؟ و على كلا التقديرين - وإن كان الأول أظهر - فالعبارة تامة الدلالة لا قصور فيها، و ان جميع ما في الكتاب آثار صحيحة، و لا أظن أحداً استشكل في دلالة العبارة غير بعض المتأخرين».
۱۲۱. ناگفته نماند که بحث ظهور کلام کلینی در صحتّ جميع احاديث کافی با بحث حجیت کلام و رأی او در حق دیگران، دو بحث کاملاً متفاوت از یکدیگرند، اولی تابع چگونگی استظهار ما از کلام او در مقدمه کافی است، و دومی تابع مبانی اصولی ما در حجیت اخبار آحاد، و باور به ظهور مقدمه این کتاب در صحتّ تمام احاديث آن، لزوماً به معنای قابل اعتماد بودن همه احاديث این کتاب از سوی ما نخواهد بود (ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۴۶ و ۴۷)، و بحث کنونی تنها ناظر به بحث اول می باشد که مطابق آن کلینی در کافی خود را ملتزم به نقل احاديث صحيح نموده است.
۱۲۲. دروس قصاص، جلسه ۱۷.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: نشر اسلامی.
۳. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، رجال ابن الغضائری، چاپ اول، قم: دارالحديث.
۴. اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة و اذاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد، چاپ اول، بیروت: دارالأضواء.
۵. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، منهج المقال في تحقیق أحوال الرجال، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۶. اعرجی کاظمی، سید محسن (۱۴۱۵ق)، عدة الرجال، چاپ اول، قم: مؤسسة اسماعیلیان.
۷. بحر العلوم، سید محمد مهدی (۱۳۶۳)، رجال السيد بحر العلوم (الفوائد الرجالية)، تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم، چاپ اول، تهران: مکتبه الصادق.
۸. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، تصحیح محمدتقی ایروانی، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی.
۹. بهبودی، محمد باقر (۱۳۶۳)، گزیده کافی، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. تبریزی، جواد (۱۴۲۹ق)، الموسوعة الرجالية (ترتیب اسانید الکافی)، تصحیح جواد قیومی، چاپ اول، قم: دارالصدیقة الشهيدة.
۱۱. حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۸)، اعتبارسنجی احادیث شیعه، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق)، رجال العلامة الحلّی، تصحیح سید محمد صادق بحر العلوم، چاپ دوم، قم: منشورات الشریف الرضی.
۱۳. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق)، کتاب الطهارة، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۳۹ق)، ثلاث رسائل في الجهاد، چاپ اول، تهران: انتشارات فقه روز.
۱۵. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ چهارم، بیروت: دارالزهراء.
۱۶. داوری، مسلم (۱۴۳۴ق)، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، چاپ اول، قم: منشورات الرافد.
۱۷. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق)، ارشاد العقول الى مباحث الاصول، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۴۱۰ق)، کلیات في علم الرجال، چاپ دوم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۹. سیستانی، محمد رضا (۱۴۳۷ق)، قبسات من علم الرجال، چاپ اول، بیروت: دارالمورخ العربی.
۲۰. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۱. صاحب المعالم، حسن بن زین الدین (۱۳۶۲)، منتقى الجمان في الاحادیث الصحاح و الحسان، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی.
۲۲. صدر، سید حسن (بی تا)، نهاية الدراية، تحقیق ماجد غرباوی، چاپ اول، نشر المشعر، بی جا.

٢٣. طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٤ق)، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تصحیح مهدی رجایی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت.
٢٤. طوسی، محمد بن حسن (١٣٩٠ق)، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، تصحیح سید حسن خراسان، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٢٥. طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٢٦. طوسی، محمد بن حسن (١٣٧٣)، رجال الطوسی، تصحیح جواد قیومی، چاپ سوم، قم: انتشارات اسلامی..
٢٧. طوسی، محمد بن حسن (١٤١٧ق)، عدة الاصول، چاپ اول، قم: علاقمندیان.
٢٨. طوسی، محمد بن حسن (١٤٢٠ق)، الفهرست، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، چاپ اول، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.
٢٩. مفید، محمد بن محمد (١٤١٤ق)، تصحیح اعتقادات الامامیه، تصحیح حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
٣٠. عاملی، بهاء‌الدین محمد بن حسین (١٤١٤ق)، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، چاپ دوم، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
٣١. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله (١٤١٢ق)، بهجة الآمال فی شرح زیدة المقال، چاپ دوم، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان‌پور.
٣٢. فیض کاشانی، محمد محسن (١٤٠٦ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی.
٣٣. کجوری شیرازی، محمد مهدی (١٤٢٤ق)، الفوائد الرجالیة، چاپ اول، قم: مؤسسه دارالحدیث.
٣٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ١٤٢٩ ق.
٣٥. مامقانی، عبدالله (١٤٣١ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محمد رضا مامقانی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت.
٣٦. مامقانی، عبدالله (١٤٢٨ق)، مقیاس الهدایة فی علم الدرایة، چاپ اول، قم: دلیل ما.
٣٧. مجلسی، محمدباقر (١٤٠٦ق)، ملاذ الخیار فی شرح تهذیب الاحکام، تصحیح مهدی رجایی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
٣٨. مجلسی، محمد تقی (١٤٠٦ق)، روضة المتقین، چاپ اول، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان‌پور.
٣٩. محمد بن حسن بن شهید ثانی (١٤١٩ق)، إستقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام.
٤٠. نجاشی، احمد بن علی (١٣٦٥)، رجال النجاشی، تصحیح سید موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم: انتشارات اسلامی.
٤١. وری، حسین بن محمد تقی (١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت.
٤٢. نمازی‌شاه‌رودی، علی (١٤١٤ق)، مستدرکات علم رجال الحدیث، چاپ اول، مؤلف، قم.